

نقش مهاجرت سرمایه‌های فکری بر خلق و جریان دانش

سهیلا شه میری لجی^۱

۱- کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی- دانشگاه پیام نور، واحد رفسنجان

چکیده

توانمندی امروز در گرو دارا بودن سرمایه دانش و به کارگیری مجموعه ظرفیت‌های ذهنی خلاق است که به طور موثری توسعه و پیشرفت را ممکن ساخته و ثروت واقعی سازمان‌ها و جوامع در جذب و بهره‌برداری از قابلیت‌های فکری آنهاست. با وجود اهمیت جذب و بهره‌برداری از نیروی انسانی صاحب اندیشه و متخصص‌آمارها و پژوهش‌ها نشان می‌دهد ایران از جمله اولین کشورهای مهاجرفرست است. از اینرو این تحقیق با هدف بررسی نقش مهاجرت بر جریان دانش کشور و ارائه راهکارهایی جهت کاهش مهاجرت‌ها با استفاده از سه پرسش: تاثیر مهاجرت سرمایه‌های فکری بر خلق و اشاعه دانش بومی چیست؟ حفظ سرمایه‌های فکری در بهبود و ارتقاء جایگاه کشور در سطح بین‌المللی تا چه حد موثر است؟ و راهکارهای جلوگیری یا کاهش مهاجرت سرمایه‌های فکری چیست؟ در این راستا آموزش تا چه حد می‌تواند موثر باشد؟ پرداخته است. جامعه آماری اساتید دانشگاه می‌باشد و نمونه پژوهش ۳۱ نفر از استادان دانشگاه بودند که برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. روش این پژوهش کیفی، ابزارگردآوری داده‌ها مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در خلق و اشاعه دانش عناصر و مولفه‌هایی دخیل است که همه آنها با مرکزیت انسان، فکر و اندیشه‌اش تحقق می‌یابد و بی شک مهاجرت بر آن و در نتیجه بر جایگاه علمی کشور در سطح بین‌المللی موثر است. در پایان نیز راهکارهای کاهش مهاجرت سرمایه‌های فکری در هفت مورد ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت سرمایه‌های فکری، خلق دانش، جریان دانش

۱- مقدمه

در این عصر اعتقاد بر اینست که آینده یافتنی نیست بلکه ساختنی است بنابراین آینده جایی نیست که به آنجا می‌رویم بلکه جایی است که آن را به وجود می‌آوریم. آینده کماکان در حال ساخته شدن است و هر جامعه‌ای با توجه به میزان دانش، خلاقیت، نوآوری و نیاز ارزش‌ها و اهداف خود آن را می‌سازد. چراکه اقتصاد منبع محور گذشته به اقتصاد دانش محور پیوند خورده است اقتصادی که در آن تولید، انتشار و بهره‌برداری از دانش نقش برجسته‌ای در تولید ثروت ایفا می‌نماید. (ملایی و محدث، ۱۳۸۸؛ انصاری، ۱۳۹۱) در محیط اقتصاد دانش بنیان امروز، سرمایه‌های فکری ارزش و اهمیت بیشتری نسبت به سرمایه‌های فیزیکی دارند و جزء سرمایه‌های راهبردی سازمان‌های عصر حاضر مطرح می‌باشند. (آقای وزرندی خالدي، ۱۳۹۰) بگونه‌ای که یکی از مهمترین عوامل رشد و تعالی جوامع محسوب می‌شوند. در حال حاضر کشورهایی توانسته‌اند در دستیابی به سطوح بالای رشد و توسعه بهتر عمل کرده و گوی رقابت را از دیگر کشورها برابند که سرمایه‌های فکری نیرومندتری داشته باشند (مالهوترا، ۱۳۸۶؛ عالم تبریز، رجبی فرد، حاج بابا علی، ۱۳۸۸) سرمایه‌ای که در ذهن و اندیشه انسان جای داشته و بین مایه آن دانش انسانی است. انسانی خردمند که به غنی‌سازی اندیشه خود پرداخته و به دانش کانونی خود قابلیت منظومه‌ای از سرمایه‌های نامحسوس را داده است که نقطه آغازین و محور هر نوع رشد و توسعه است. سرمایه‌ای که می‌توان آن را موجودی هوش، تجربه، روابط، قضاوت، استعداد، مهارت و شهود نامید. (عدلی، ۱۳۸۹) کشف به موقع این انسان‌ها و دادن فرصت برای بروز خلاقیت آنان یک اقدام راهبردی است همانند چشمه‌آبی که ازدل کوه سرباز می‌کند و عده‌ای طالب آن و به سوی آن می‌شتابند. (صانعی پور، ۱۳۹۱) چشمه‌آبی که در کنار عمل به منزلت دوبال نفس ناطقه اند که به اندازه نیروی این دوبال در عوالم بی پایان پروازی کند. (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱) و این قدرت هم در داخل کشور و هم در قضاوت‌ها و داوری‌های ملت را در مورد قوای حاکمه مشهود می‌کند و هم در محاسبات بین‌المللی از جایگاه ارزشی بالایی برخوردار است. (امیرخانی، ۱۳۸۵) چنانکه تافلر می‌گوید "اگر ما بخواهیم آینده‌ای را که در در دست است مهار کنیم به ابزارهای نوین و نیرومند فکری نیاز خواهیم داشت" (تافلر، ۱۳۷۰)

از آنجاکه امروزه اطلاعات اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین نماد قدرت به شمار می‌رود به جای تجارت کالا، مغزها خرید و فروش می‌شوند. از این رو کشورهای پیشرفته، آگاهانه و بخردانه با هدف توسعه انفجاری و غیرقابل تصور استعدادهای و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی به خصوص باتکیه بر سرمایه‌های حیاتی و تعیین‌کننده فکرو دانش بشری دست به تلاشی پیگیر برای جذب کارشناسان و پژوهشگران در جهان زده است (عالم تبریز، رجبی فرد، حاج بابا علی، ۱۳۸۸؛ صالحی امیری، ۱۳۸۸) و مهاجرت سرمایه‌های فکری تبدیل به چالشی شده است که انتقال ظرفیت‌های علمی و جریان تولید و اشاعه دانش را از کشورهای توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته به سوی دیگر کشورهای در پی داشته است و این امر سبب ضعف جریان دانش در کشورهای مبدا و تقویت پایه‌های دانش و تخصص در کشورهای مقصد و در نتیجه پربارتر شدن آن در این کشورها شده است. پیرامون علل این پدیده نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است که نظریه نئوکلاسیک به تمایل انسان به رفاه هر چه بیشتر و علل اقتصادی آن، نظریه نوسازی به نفوذ ارزش‌های کشورهای

توسعه یافته در کشورهای مهاجر فرست، نظریه روانستاین به عوامل دافعه در مبدأ و جاذبه در مقصد، نظریه بحران منزلتی به نقصان های منزلت، جایگاه و احترام به افراد در کشور مبدأ و نظریات دیگری که هریک به علتی از علل مهاجرت هامی پردازد و در نگاهی جامع نگر، نظریه سیستمی که بر نگرش جامع به مسئله مهاجرت تاکید دارد و نگرش های تک بعدی را برای شناخت و درک و تحلیل مهاجرت ها کافی نمی داند و معتقد است ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به صورت تنها و جدا از هم بر مهاجرت تاثیر نمی گذارند بلکه به عنوان مجموعه های تفکیک ناپذیری بستر لازم را برای مبادلات مهاجرتی فراهم کرده و آن را تداوم می بخشد. از این رو علت یابی این پدیده می تواند در بستر سازی جهت حفظ و نگهداشت سرمایه های فکری، تقویت پایه های دانش کشور و تسری آن به جامعه جهانی و در نتیجه ارتقاء جایگاه و وجهه کشور موثر باشد. در این پژوهش نیز بر آنیم تاثیر پدیده مهاجرت را بر جریان دانش کشور و راهکارهای کاهش آن را مورد بررسی قرار دهیم.

در حال حاضر، سرمایه دانش و دانایی تنها راه پیشرفت و ایجاد ثروت در سازمان ها و جوامع و یکی از مهم ترین دارایی های نامشهود است که پایه و اساس سرمایه فکری است سرمایه ای که عامل تبدیل منابع طبیعی و انسانی به ثروت و عنصری مهم در جهت خلق نوآوری و مزیت رقابتی در اقتصاد مبتنی بر دانش است. (خاوندکار، خاوندکار، متقی، ۱۳۸۸)

بدین جهت که دانایی سرمایه ای است که خود منشأ تولید سرمایه های دیگر بوده و بر خورداری هر چه بیشتر از آن، توانایی انسان را در بالا بردن کیفیت زیستن در این جهان افزایش می دهد. (ریاضی، عبادی، ۱۳۹۰ به عبارتی دیگر قابلیت های فکری، دانش، اطلاعات، دارایی های معنوی، تخصص و صلاحیت های حرفه ای ابزارهای تولید ثروت و ریشه موفقیت اند و جوامعی که فاقد این ابزارها هستند فقیر محسوب می شوند. (علوی، ۱۳۸۵) از این رو توانمندی امروز و شرط حیات یک ملت در گرو دارا بودن سرمایه دانش و به کارگیری مجموعه ظرفیت های ذهنی خلاق است که به طور موثری توسعه و پیشرفت را ممکن می سازد. چنانکه رومز^۱، گروسمن^۲ و هلپمن^۳ (۱۹۹۱) معتقدند رشد اقتصادی یک اقتصاد به فعالیت های تحقیق و توسعه داخلی و خارجی و ذخیره موثر دانش بستگی دارد. (شاه آبادی، ۱۳۸۰) سرمایه های فکری به مثابه اصلی ترین رکن تولید دانش بیشترین نقش را در فرآیند پیچیده توسعه ایفا می کنند و از آنجا که ماهیتی وابسته به انسان داشته، نقش نیروی انسانی در تولید علم و توسعه آن انکارناپذیر است. چراکه مدیریت، خلاقیت، ابتکار و استعداد نیروی انسانی مهم ترین رکن توسعه و پیشرفت جامعه را تشکیل داده و ثروت واقعی سازمان ها و جوامع در جذب و بهره برداری از قابلیت های فکری آنان است. با وجود اهمیت جذب و بهره برداری از نیروی انسانی صاحب اندیشه و متخصص گویی داستان انوشیروان دادگرمور و پذیرش و احترام قرار دادن دانشمندان و فلاسفه رومی و ارونه گشته و این ایرانیان هستند که هر روز بیش از پیش سرزمین مادری را به قصد کشوری دیگر ترک می کنند. بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول سالانه بین ۱۸۰-۱۵۰ هزار نفر تحصیل کرده از ایران خارج می شوند و به نسبت جمعیت، ایران در سال های گذشته جزء اولین کشورهای مهاجر فرست بوده است. این پدیده به مثابه یک آسیب اجتماعی از دهه ۴۰ شمسی ظهور گسترده یافت با پیروزی انقلاب با درون مایه های عمیق فرهنگی، این روند تا پس از جنگ تحمیلی

^۱.Romez^۲.Grosman^۳.Helpman

کاهش محسوسی پیدا کرد اما در سال‌های اخیر مجدداً شاهد شکل جدید و درعین حال وسیعی از پدیده مهاجرت متخصصان هستیم (ابراهیم آبادی، ۱۳۷۹) درحالی که مهاجرت، دانش، توانمندی و هوشمندی‌های بی نظیری را می‌طلبد که در ارتباط مستقیم با ذخیره محتوایی دانش و تجارب اتفاق می‌افتد و تسهیل دگرگونی علمی در فضای بین‌المللی وابسته به تأثیر مثبتی است که دانشمندان شاخص در خلق دارایی‌های نامشهود دارند. (اسکیلور و یولادایز، ۲۰۱۱) با این اوصاف طبق نتایج یک پژوهش از هر ۱۸ نفری که از سوی دانشگاه‌ها برای کسب تخصص به کشورهای توسعه یافته اعزام شده‌اند تنها سه نفر به ایران بازگشته‌اند. نتایج تحقیقات دیگری که توسط یک پژوهشگر ایرانی که در دانشگاه MIT آمریکا تدریس می‌کند نشان می‌دهد بیش از ۴۵ درصد از ایرانیان مقیم آمریکا دارای مدارک تخصصی یا فوق تخصصی هستند و ۸۰ درصد از برگزیدگان المپیادهای علمی سال‌های اخیر و اکثر رتبه‌های دورقمی کنکور، جذب دانشگاه‌های خارجی به ویژه آمریکاشده‌اند. (لرنی، ۱۳۸۷؛ فاضل و آشتیانی، ۸۷) همچنین طبق اظهارات معاون اسناد و کتابخانه ملی سازمان ثبت احوال تهنادر سال ۱۳۹۰، ۱۴۰۰۰۰ مهاجر ایرانی به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کردند. (www.parsine.ir) بنابراین به نظر نمی‌رسد این گفته که آمریکاهم‌ترین کشور در حیطه فعالیت‌های علمی است تنها یک تمجید باشد. (اسکیلور و یولادایز، ۲۰۱۱)

اخیراً کشورهای عضو اتحادیه اروپا پیش‌بینی کرده‌اند که تا سال ۲۰۲۰ نیازمند ۸۰ میلیون نیروی کار متخصص هستند لذا طبیعی است که هر سال حدود ۴ میلیون نفر تحصیل کرده به خود جذب کنند. (www.tebyan.ir) این درحالی است که پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد جمعیت ایران تا ۳۰ سال آینده منفی شود (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۲)، یعنی ایران خود از جمله کشورهایی خواهد بود که در سال‌های آینده نیازمند نیروی کار است که بی‌شک تخصصشان برای جامعه فردا الزامی است. از این رو که شرط یا پیش شرط اصلی هرگونه توسعه ای از جمله توسعه علمی جامعه وجود نیروی انسانی علمی و شاخص است و یک جامعه بدون دارا بودن استخوان بندی‌های ذهنی قوی، در حرکت جهانی نخواهد توانست از سربالایی‌های دشوار و پیچ‌های سخت عبور کند. (خنفر و همکاران، ۱۳۸۹) درحالی که این آمار و پژوهش‌هایی از این دست نشان می‌دهد که این مهاجرت‌ها یک شکل غیر طبیعی مبادلات علمی به نفع کشورهای توسعه یافته بوجود آورده که این امر گذشته از اتلاف کلیه هزینه‌هایی که صرف آموزش این افرادی شود، انتقال بخش عظیمی از دانش و اطلاعات رادری داشته که جریان دانشی نابرابر و ناعادلانه را بوجود آورده و مجموعه فشرده‌ای از مواد فکری، بسته‌های دانشی، اطلاعات، تجارب، الهامات و ایده‌های متخصصان را منتقل کرده، انتقال دانش یکسویه رادری داشته، سبب قطع جریان و خلق دانش، خدمات و محصولات می‌شود که در دانش این افراد نهفته است. درست است که امروزه علم و دانش محدود به مرزهای مکانی و زمانی نبوده و با استفاده از تکنولوژی روز، دانش تولید شده در کشورهای مختلف شاید در مدتی کوتاه به کشورهای دیگر راه می‌یابد اما باید در نظر داشت که این دانش علاوه بر خود نمایی کردن در کارنامه علمی کشورهای مقصد و فراهم کردن علل فخر و مباهات آنان سبب می‌شود این دانش، تکنولوژی و پیشرفت برخاسته از آن با هزینه‌های گزافی به کشورهای مبدا بازگردد که این امر به زیان سرزمین‌های مادری این مهاجران است.

مقام معظم رهبری نیز در باب حساسیت و اهمیت این موضوع اظهار می‌دارند: یک روزی مرکز پیدایش علم دنیا اسلام بود بدون اینکه کشورهای دیگر را استعمار کند در برهه اخیر یعنی بعد از رنسانس به این طرف علم به دست یک

مجموعه اروپایی و غربی افتاد که از آن بعنوان ابزاری برای تسلط بر کشورهای پندریج استعمار آنها، فشردن ملت‌ها و گرفتن شیر آنها، امکانات و ثروتهایشان استفاده کردند. ما ضربه را از بی علمی خورده ایم. اگر امروز دنیای اسلام از لحاظ اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی عقب مانده، به این خاطر است که دنیای غرب مجهز به سلاح علم است. سیاست و گفتمان و پیشرفت علمی با شتاب بالاییک سیاست‌بنیادی برای نظام است و پیشرفت واقعی یک کشور جز با علم امکان پذیر نیست. علم پایه پیشرفت همه جانبه یک کشور است، علم اقتدار است و هر کس این اقتدار را داشته باشد می‌تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند. (عسگری و سعید کلاهی، ۱۳۹۲). در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی نیز ایران جامعه‌ای برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی مورد تأکید قرار گرفته و این از ویژگی‌های جوامعی است که اقتصاد آن مبتنی بر دانش است (انصاری، ۱۳۹۱) که این خود گواه اهمیت دانش و صاحبان آن است و تحقق این امر با این تعداد و ماهیت مهاجرت‌ها مشکل و شاید غیرممکن می‌نماید. اگرچه خروج سرمایه‌های فکری و منابع دانشی و مهاجرتشان فی‌نفسه محل اشکال نیست چنانکه در تعلیم اسلامی نیز امری مذموم شمرده نشده اما قطع ارتباط و به دست فراموشی سپردن آنان که هم دارای سرمایه علمی اند و هم توان تولید ثروت را دارند با توجه به اینکه در دنیای امروز جنگ‌های سخت افزاری جای خود را به جنگ‌های نرم افزاری داده و در آینده‌ای نزدیک دانش بر جهان حکم می‌راند، مطرح بودن مسائل اعتقادی و ایمان به نابودی کفر و ضرورت پیشرفت و پیشی گرفتن جوامع اسلامی از سایر جوامع نشانی از تأمل در اقتضایی بودن این عدم مذمومیت، اهمیت این موضوع و لزوم توجه به تأثیرات و علل این مهاجرت‌ها و همچنین اصلاح امور مرتبط با آن دارد. از این رو کشف تأثیرات و علل آن می‌تواند عاملی برای تغییر برخی سیاست‌گذاری‌ها و تدوین قوانین درست در جهت حفظ و بکارگیری این افراد، تغییر در اولویت‌های برنامه ریزی فرهنگی و جهت‌گیری ملی، بومی و دینی در بطن و محتوای مواد درسی و آموزشی باشد.

با توجه به اهمیت موضوع مقدمه‌ای که مذکور افتاد و از آنجایی که تا کنون تحقیقی با این عنوان در کشور انجام نشده است پژوهشگر در یک بستر علمی و دانشگاهی به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا مهاجرت سرمایه‌های فکری و انسانی بر تولید و اشاعه دانش تأثیر دارد؟ و راهکارهای کاهش مهاجرت‌ها از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران دانشگاهی کدام است؟

۲- ادبیات تحقیق

در حوزه مهاجرت، تحقیقات فراوانی با مولفه‌های گوناگون بخصوص مولفه اقتصادی انجام شده و ادبیات پژوهشی غنی‌ای را در حوزه مهاجرت فراهم نموده‌اند. در زیر معدودی از جدیدترین پژوهش‌های مرتبط داخلی و خارجی، مورد بررسی قرار گیرند، از جمله: حیدرلو (۱۳۸۰) در پایان نامه کارشناسی خود تحت عنوان ((بررسی پدیده‌ی فرار سرمایه (فیزیکی و انسانی)) به صورت موازی در فصل‌های متناوب به بررسی پدیده‌ی سرمایه فیزیکی، انسانی و نقش سرمایه‌ی انسانی بر رشد اقتصادی پرداخته و با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی به بررسی پدیده فرار مغزها

پرداخته است. محقق با ارائه مدل به این نتیجه رسیده است که فرار مغزها باعث کاهش رشد GDP^۴، کاهش دستمزد کارگران غیر ماهر و افزایش دستمزد کارگران ماهر در کشور مبدأ می شود. طوسی (۱۳۸۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((بررسی نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر روند مهاجرت مغزها)) به برخی از موانع حفظ نخبگان در کشور و جلوگیری از جذب آنها توسط دیگر کشورها پرداخته شده است. شعبانلو (۱۳۸۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور)) به بررسی علل گرایش دانشجویان (دانشجویان دانشگاه شریف) به مهاجرت اشاره داشته و به ارزیابی نگرش ها، ویژگی‌ها و برداشت افراد از شرایط داخل و خارج از کشور و تاثیر آن بر مهاجرت پرداخته است. قاسمی (۱۳۸۱) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((بررسی تأثیر روابط فرهنگی و روابط اجتماعی اجتماع علمی بر گرایش دانشجویان کارشناسی ارشد به ادامه تحصیل در خارج از کشور)) به بررسی رابطه بین ارزشیابی دانشجویان از میزان روابط ارتباطی و گفتمانی اجتماع علمی با میزان گرایش آنها به ادامه تحصیل در خارج از کشور پرداخته شده. نتایج این پژوهش نشان می دهد چون دانشجویان نقشی برای اجتماع علمی در نظر نمی گیرند، لذا تحصیل در خارج از کشور را ترجیح می دهند تا به دور از مسائل و مشکلات موجود به کسب دانش و فناوری بپردازند.

دهقان (۱۳۸۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((از فرار مغزها تا پدیده ی نو و ناشناخته ی مبادله مغزها)) به بررسی عامل اصلی توسعه راسرمایه انسانی و نیروی کار متخصص دانسته و نخستین تأثیر فرار مغزها بر کشورهای کم‌توسعه یافته، اتلاف هزینه ها و روی کار آمدن ناکارآمدها می داند. نوکاربیزی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان ((جغرافیای فرار مغزها و تأثیر آن بر جریان اطلاعات)) بیان می کند که مهاجرت مغزها به هردلیلی بیشترین ضرر را به کشورهای در حال توسعه رسانده و می رساند. فرار یا مهاجرت نخبگان به عنوان مغزهای اطلاعات علمی و فنی باعث کاهش فعالیت های علمی، فناوری و اقتصادی، کاهش تولید و مصرف اطلاعات، کاهش میزان فعالیت مراکز اطلاع رسانی و کتابخانه ها و کاهش میزان تقاضا برای استفاده از بانکهای اطلاعاتی خارجی میشود. بیشترین مهاجرت ها به سوی آمریکا، کانادا و کشورهای اروپایی صورت می گیرد. و این کشورها به خصوص آمریکای بیشترین سود را از این کاری برد، از این رو امروزه شاهد آن هستیم که بیشترین اطلاعات علمی و فنی در این کشورها تولید می شود. و سهم آمریکا در ایجاد پایگاه های اطلاعاتی در جهان بیشتر از دیگر کشورها بوده و دانش تولید شده را از طریق شبکه های اطلاع رسانی به بهایی گران در اختیار همگان قرار می دهند. ذاکر صالحی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان ((فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان)) پس از طرح چهارده رویکرد نظری مرتبط با موضوع نخبگان، تلاش دارد از طریق فراتحلیل کیفی مطالعات انجام شده در داخل کشور، به نظریه مشترک و بنیادین آنان دست

تولید ناخالص داخلی Gross domestic product^۴.

یابد. پژوهش حاضر ضمن نیل به نظریه جاذبه-دافعه در فرآیند مطالعه اکتشافی خود، راهکارهای سازگار با این نظریه را ارائه می‌دهد.

داورزنی (۱۳۸۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((بررسی آسیب شناختی فرارمغزها با تأکید بر پیامد اجتماعی و فرهنگی)) پیامدهای فرهنگی-اجتماعی خروج نخبگان بر فرآیند توسعه پایدار مورد کنکاش قرار گرفته و ضمن بررسی مدل های مختلف تجزیه و تحلیل پدیده فرارمغزها، مدل عاملیت و ساختار آنتونی گیدنز و ملی گرا به عنوان مدل پایه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و شاخص های سرمایه علمی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه انسانی و هویت اجتماعی برای سنجش توسعه اجتماعی-فرهنگی لحاظ شده اند. زلفی گل (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان ((مهاجرت ژن های هوشمند)) از منظری جدید به پدیده فرار مغزها می نگرد. بر اساس این پژوهش در فرآیند مهاجرت نخبگان و متخصصان نه تنها نخبگان که ثروت ملی کشور به شمار می آیند از دست می روند بلکه پس از گذشت قرن ها از نظر ژنتیکی کشورهای نخبه پذیر به جوامع نخبه تبدیل خواهند شد و درصد ژن های هوشمند آنها به شکل گسترده ای افزایش می یابد و به طور کاملاً طبیعی اصلاح ژنتیکی انجام می شود لذا در زمینه تولید علم، فن و فن آوری همچنان پیشتاز خواهند بود. در مقابل کشورهای نخبه گریز روز به روز فقیرتر شده و به دلیل همین فقر وابسته تر می شوند و تعادل جهانی با شدت بیشتری به هم می خورد. سجادی نائینی (۱۳۸۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((بررسی عوامل موثر بر گرایش نخبگان به خارج از کشور)) به بررسی علل گرایش افراد تحصیل کرده به مهاجرت می پردازد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد بین متغیرهای زمینه ای تحقیق، دو عامل سن و رشته تحصیلی با متغیر گرایش به مهاجرت رابطه معناداری دارد. بدین معنا که دانشجویانی که سن بیشتری دارند، گرایش بیشتری به مهاجرت نشان داده و نیز از منظر رشته تحصیلی، دانشجویان رشته انسانی بیشترین گرایش و دانشجویان رشته هنر کمترین گرایش را به مهاجرت نشان داده اند. فلاحی و منوریان (۱۳۸۷) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((بررسی عوامل مهاجرت نخبگان (سرمایه های انسانی) و ارائه راهبردهای مناسب برای پیشگیری از این پدیده)) به منظور یافتن راهبردهای مناسب برای کاهش و پیشگیری از پدیده مهاجرت نخبگان (نیروی انسانی)، نظرات مهاجران بالفعل و مهاجران بالقوه در خصوص عوامل کششی و رانشی مقصد و مبدا مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. داده های بدست آمده از هر دو گروه، طبقه بندی و بایکدیگر مقایسه شده اند و در نتیجه مشخص شده است عوامل (۱) علمی، آموزشی و پژوهشی (۲) اقتصادی (۳) فرهنگی، اجتماعی (۴) سیاسی-مدیریتی در مهاجرت نخبگان در دو جامعه مورد مطالعه، دخیل بوده اند.

معافی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان ((بررسی عوامل اقتصادی موثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران-کانادا)) بررسی میزان اثرگذاری سه عامل سطح حقوق و دستمزد در ایران، نرخ بیکاری ایران و نیز شکاف شاخص رفاهی بین ایران و کانادا بر فرار مغزها، با استفاده از تکنیکهای اقتصادسنجی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می دهد مهاجرت

دانش‌آموختگان از حساسیت بسیار بالایی نسبت به تغییرات رفاهی برخوردار می‌باشد به نحوی که می‌توان گفت اولین و مؤثرترین عامل فرار نخبگان ایرانی در دوره ی مورد بررسی (۱۳۸۲-۱۳۵۶) تفاوت سطح رفاه بین دو کشور است. رستمی حصوری (۱۳۹۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((اثر مهاجرت نیروی انسانی متخصص (فرار مغزها) بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه)) سعی در شفاف کردن اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای مبدأ دارد. نتایج این تحقیق نشان داده اند اثر فرار مغزها بر انباشت سرمایه انسانی کشورهای مبدأ منفی و معنی دار بوده است. این اثر منفی باعث کاهش اثر مثبت سرمایه انسانی شده و بنابراین فرار مغزها با کاهش انباشت سرمایه انسانی، رشد اقتصادی کشورهای مبدأ را با کندی مواجه می‌کند. صدر (۱۳۹۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((بررسی نقش سرمایه اجتماعی و تاثیر آن در گرایش به مهاجرت از کشور)) بیان می‌کند از جمله مسائلی که کشور ما را تهدید می‌کند، مهاجرت نخبگان است که عوامل متعددی بر آن تأثیری گذارد از جمله این عوامل سرمایه های اجتماعی است از این رو شناخت رابطه و تاثیر سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه را برای حفظ نیروی انسانی کارآمد در کشور فراهم کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد هر یک از متغیرهای جنس، معدل تحصیلی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی ۲۷ درصد بر متغیر مهاجرت تأثیری گذارد که از این میان اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر معکوس را در تبیین گرایش به مهاجرت دارد. مدنی پور (۱۳۹۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((بررسی علل مهاجرت دانشجویان ایرانی برای ادامه تحصیل به کشور مالزی)) علل مهاجرت تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری ایرانی به مقصد دانشگاه UMT (دانشگاه تکنولوژی) مالزی در شهر جوهور در سال ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین دلایل مهاجرت دانشجویان ایران به مالزی و مولفه های؛ بالاتر بودن رتبه جهانی دانشگاه UMT نسبت به دانشگاه های ایران، کمبود تسهیلات لازم برای پژوهش در ایران، دسترسی محدود به منابع علمی معتبر در ایران، پذیرش آسان از دانشگاه های مالزی نسبت به سایر کشورها، پایین بودن شهریه دانشگاه و عدم تمایل بازگشت به ایران رابطه مثبتی وجود دارد. تیموری اله لو (۱۳۹۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((بررسی اثر مهاجرت نیروهای متخصص بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه)) اثر مهاجرت نیروهای متخصص بر رشد اقتصادی ۱۲ کشور منتخب در حال توسعه در دوره زمانی ۱۹۷۱-۲۰۰۷ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اثر مهاجرت نیروهای متخصص بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه منفی می‌باشد. به طوری که به ازای یک درصد افزایش در میزان مهاجرت نیروهای متخصص، رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه به طور متوسط ۳۲ درصد کاهش یافته و با باز بودن مسیر تجارت بین این کشورها، تأثیر منفی مهاجرت نیروهای متخصص بر رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.

حاتمی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان ((بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور)) به بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت خارج از کشور، با توجه به دو دسته

عوامل رانش (دافعه های داخلی) در کشور مبدا و عوامل کشش (جاذبه های خارجی) در کشور مقصد می پردازد. نتایج پژوهش نشان می دهد که عواملی نظیر؛ بیکاری، نداشتن درآمد کافی، برخوردار نبودن از شغل متناسب با رشته تحصیلی، نبود فرصتهای شغلی مناسب، نبود امنیت شغلی، نبود امکانات، بحران های اقتصادی، نبود امکانات علمی، پژوهشی و آزمایشگاهی، کمبود استادان متخصص، توجه نکردن به خواسته های افراد تحصیل کرده و رعایت شان علمی آنان، عدم موفقیت در مقاطع تحصیلی بالاتر، محدودیت زنان در انتخاب برخی رشته های خاص و محدودیت آزادی فردی به گونه ای معنادار به عنوان عوامل رانشی و عواملی نظیر؛ توزیع شغل بر اساس مهارت های افراد، مناسب بودن درآمد، نظم و ثبات اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت، سطح علمی بالاتر، بهادادن به نوآوری، امکانات و خدمات مادی و رفاهی بهتر برای زندگی، تساوی حقوق زن و مرد، ازدیدگاه پاسخگویان به عنوان عوامل کشش بیان شدند. جانتن (۱۳۹۱) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ((بررسی عوامل موثر بر مهاجرت از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ایالات متحده آمریکا)) به بررسی عوامل موثر بر مهاجرت از ۱۵ کشور توسعه یافته عضو سازمان توسعه همکاری های اقتصادی و ۱۴ کشور در حال توسعه به ایالات متحده آمریکا طی سال های ۱۹۹۱-۲۰۰۸ می باشد. نتایج این پژوهش نشان می دهد هریک از متغیرهای فاصله، میزان عرضه نیروی کار، تفاوت سرانه تولید ناخالص داخلی، شکاف تکنولوژی، نرخ سرمایه گذاری، جمعیت و نرخ زاد و ولد و شاخص سرمایه انسانی در کشورهای مبدا و مقصد به طور معناداری در مهاجرت به ایالات متحده آمریکا موثر بوده اند. نعمتی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان ((علل و عوامل مهاجرت نخبگان و چگونگی جلوگیری از آن)) مهاجرت نخبگان را تراژدی غمناکی می داند که هر روز پیچیده تر شده و ابعاد جدیدتری را به خود اختصاص می دهد. به نحوی که هم اکنون در ایران، بسیاری از ورودی های دانشگاه- ها و مراکز آموزش عالی بارتبه های دورقمی نامه ای از بهترین دانشگاه های دنیا دریافت کرده و به دنبال آن ترک وطن می کنند. در انتها راه حل هایی از جمله ارائه سازوکار کنترلی به منظور تعدیل و تطبیق پرورش نیروهای متخصص در جامعه بر حسب فرصت های شغلی و نیازهای بازار کار، تقویت روحیه ی دینی افراد و تعمق آن، تلاش برای استقرار هرچه بیشتر نظام شایسته سالاری و ... مطرح شده است. صادقی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان " فرآیند اجتماعی مهاجرت جوان ها به خارج از کشور " بیان می کند در دوران پس از انقلاب شکوهمند اسلامی (سال های پس از ۵۷) یکی از دغدغه های اصلی دولتمردان و سیاستگذاران کلان موضوع مهاجرت جوانان نخبه به خارج از جغرافیای سیاسی ایران می باشد. سالانه تعداد قابل توجهی نخبه جدید در کشور پای به عرصه امور پژوهشی می گذارند. حضور گسترده ی جوانان با استعداد در عرصه های پژوهشی منجر به تولید مقالات علمی در علوم مختلف می گردد و بدین سان پژوهشگران جوان و گمنام به چهره هایی جذاب برای مراکز علمی و پژوهشی در سایر نقاط دنیا تبدیل می شوند. بخش آغازین فرآیند مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها از شناسایی آنان در کشورهای در حال توسعه آغاز می گردد. شناسایی توسط دلالاتی که همه گونه تضمینی را برای جوانان مستعد فراهم می کنند تا مراکز پژوهشی در کشورهای توسعه یافته بتوانند از فرآورده های ذهنی آنان حداکثر بهره برداری را داشته باشند.

اولسون (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان ((مهاجرت، بازده و توسعه)) را انجام داد، در این پژوهش اولسون معتقد است مهاجرت تحصیلکرده ها، مهاجرت اقتصادی است و برای توسعه کشورهای فقیر مفید است زیرا وجوه ارسالی به اقتصاد آن ها تزریق شده و عامل پیشرفت می باشد. منتهی مهاجران باید بطور موقتی وارد کشورهای صنعتی شده و بعد از مدتی برگردند. در نتیجه با پیشرفت این کشورها به کمک وجوه ارسالی و همچنین سیاست‌های بین المللی جهت ارتقاء رشد آنها در آینده، روند مهاجرت کاهش خواهد یافت. سایمون (۲۰۰۲) در پژوهش خود با عنوان ((روند های مهاجرت بین المللی)) مهاجرت را به معنی مقیم شدن یک شخص در خارج از کشور محل تولد، برای حداقل مدت یکسال می داند. و بیان می کند که بطو متوسط هر سال ۲/۴ میلیون نفر در دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۰ به OECD مهاجرت کرده اند. که این پدیده نتیجه ی تضادهای سیاسی و محیطی (برای مثال؛ خشکسالی صحرای آفریقا در دهه ۱۹۷۰ و جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ که بر اثر آن صدهاتن از کارگران کویت، کشورشان را ترک کردند) می باشد. بین و همکاران (۲۰۰۲) در تحقیق خود با عنوان ((فرار مغزها و رشد کشورهای کمتر توسعه یافته، برنده ها و بازنده ها)) معتقدند به دلیل سطح بالای درآمد و جاذبه های رفاهی کشورهای صنعتی، افراد دارای مهارت و تخصص در کشورهای در حال توسعه، کشورهای خود را رها کرده و عقب ماندگی آنها را دامنه دار نموده و باعث تأخیر یا توقف زمانی فرآیند توسعه ای این کشورها می گردند. در نتیجه در این تعامل جهانی کشورهای ثروتمند عصاره کشورهای فقیر را می گیرند. سیمونا تالانی (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان ((جهانی سازی، نهایی گرایی و مهاجرت غیر قانونی به اروپا))، فرار مغزها را در مصر مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش نویسنده به این نتیجه رسیده که مصر به صورت افزایشی یکی از منابع پایدار مهاجرت به اروپا می باشد و بیان می دارد مهاجرت کشورهای دیگر از جمله ترکها، آسیایی ها و مراکشی ها از این نظر با مصر تفاوت دارد چرا که مهاجران این کشورها نمی خواهند به کشورشان برگردند. تالانی معتقد است منطقه گرایی و حرکت مصر به سوی جهانی شدن به این روند کمک کرده است. بروان و می پرو (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان ((مهاجرت های علمی، رویکردی جدید به مسئله فرار مغزها)) مهاجرت دانشمندان با فرار مغزها از دیرباز یک مشکل حساس و حل نشدنی تلقی شده است. براساس برآورد مجمع تجارت و توسعه سازمان ملل متحد طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۷ حدود ۸۲۵۰۰۰ متخصص به کشورهای آمریکای شمالی مهاجرت کرده اند. در سال های اخیر مهاجرت تخصص ها با تاکید بیشتر بر جذب مغزها رونق یافته و امروزه شبکه های مهاجران علمی به عنوان یکی از راه های جذب نخبگان مطرح است. این واقعیت که بسیاری از کشورها هم زمان اقدام به ایجاد شبکه های مهاجران علمی _فکری نموده اند، بیانگر این نکته است که گزینه مهاجران یک استراتژی قابل توجه است. اچ آدامز (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان ((مهاجرت اقتصادی و فرار مغزها)) با هدف تشخیص دامنه ی فراگیری مهاجرت تحصیلکرده ها در کشورهای مبدأ در خصوص ۲۴ کشور صادر کننده ی نیرو انسانی به مطالعه می پردازد. یافته های این مقاله نشان می دهد که سطح مهاجرت در حال افزایش است، در

ترکیب افراد مهاجر، نسبت تحصیلکرده‌ها در هر سال در حال افزایش است و این تحصیلکرده‌ها مقیمان دائمی کشورهای مقصد خواهند شد. و کشورهای صادرکننده نیرو، دارای جمعیت زیاد بوده و سطح تحصیلات در این کشورها بالا می‌باشد. فینی (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان "مهاجرت مغزها و وجوه ارسالی" بیان می‌کند همیشه اثرات منفی مهاجرت مغزها با وجوه ارسالی جبران نمی‌شود. وی معتقد است هرچه مهاجرت مغزها بیشتر باشد، وجوه ارسالی کمتری شود زیرا مهاجران ماهر غالباً از خانواده‌های ثروتمند می‌باشند و با مهاجرتشان علاوه بر مغزها، ثروتشان را نیز با خود می‌برند در نتیجه مهاجرت مغزها منجر به کاهش رشد اقتصادی در کشور مبدا می‌شود. گرایزارد لول (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان "مهاجرت افراد ماهر و رشد: آزمون فرار مغزها و بدست آوردن مغزها" با استفاده از آمار و اطلاعات ۱۱۲ کشور صادرکننده نیروی کار متخصص، اثر معکوس مهاجرت مغزها را بر روی رشد اقتصادی کشورها طی دهه ۱۹۹۰-۲۰۰۰ بررسی کرده است. نتایج پژوهش گرایزارد نشان می‌دهد بین رشد اقتصادی کشورها و فرار مغزها رابطه‌ای منفی برقرار است و به ازای افزایش ۱۰ درصد در مهاجرت سرمایه انسانی تقریباً ۸ درصد نرخ رشد سرانه تولید کشورهای مبدا کاهش یافته است. نیمای، اوزدن و همکاران، (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان "وجوه ارسالی و مهاجرت مغزها: مهاجران ماهر وجوه ارسالی کمتری دارند" نرخ مهاجرت، سطح تحصیلات مهاجران، درآمد کشورهای مبدا، میزان توسعه مالی در کشورهای مبدا و نرخ رشد اقتصادی کشور مبدا را به عنوان عوامل تعیین‌کننده وجوه ارسالی نیروی کار بیان می‌کند. نتایج این پژوهش که مطالعه ۸۲ کشور جهان در دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۹۰ بوده است نشان می‌دهد، مهاجران دارای تحصیلات دانشگاهی، وجوه ارسالی کمتری نسبت به سایر مهاجران دارند. هرچه نرخ رشد اقتصادی و درآمد در کشورهای مبدا بیشتر باشد وجوه ارسالی کمتر است و هرچه نرخ مهاجرت بیشتر و بخش مالی توسعه یافته تر باشد میزان وجوه ارسالی بیشتر است. ویسنت و کریستوبال (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان ((ویژگی‌های مهاجرت دو سویه)) با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از اسپانیا طی سالهای ۲۰۰۳ تا ۱۹۹۵ به بررسی تأثیر مهاجرت بر تجارت دو سویه و همچنین بررسی مکانیزم‌های احتمالی که در این رابطه وجود دارد می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که یک رابطه مثبتی بین مهاجرت و صادرات و واردات وجود دارد و از جمله مکانیزم‌های اثرگذار بر این رابطه شبکه‌های اجتماعی، ملی، سیاسی و سطح متوسط دانش مهاجرین است که تأثیر مثبتی بر تجارت دو سویه دارد.

وی و زنگ (۲۰۰۹) در تحقیقی تحت عنوان "فرار مغزها: اثر فرار و رشد اقتصادی در چین" از طریق داده‌های تابلویی بین استان‌های کشور چین طی بازه زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۵ و از طریق روش اقتصادسنجی GMM اثر مهاجرت‌های دائمی و موقت را بر انباشت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان دهنده اثر منفی مهاجرت دائمی و موقت بر رشد اقتصادی استان‌های مهاجر فرست می‌باشد. در این مطالعه برای شاخص انباشت سرمایه انسانی، از نرخ ثبت نام مدارس ابتدایی و دبیرستان استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، مهاجرت دائم بر انباشت

سرمایه انسانی (نرخ ثبت نام مدارس ابتدایی و دبیرستان) اثر مثبت دارد ولی مهاجرت موقت، بر ثبت نام ابتدایی اثر مثبت و بر ثبت نام دبیرستان بی تاثیر است. کرادو و استرایزوسکی (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "مهاجرت، انباشت سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی" چگونگی تغییر ترکیب سرمایه انسانی در کشورهای مبدا به وسیله مهاجرت و همچنین اثر این پدیده بر توسعه را بررسی کرده اند. در این مدل، رشد اقتصادی از طریق رشد بهره وری رخ می دهد و رشد بهره وری از طریق نوآوری هدایت می شود. عوامل ناهمگن موجب افزایش مهارت سرمایه انسانی در پاسخ به مشوق های اقتصادی می شود ولی نتایج نشان می دهد که مهاجرت موجب تحریف این مشوق ها و مانع افزایش انباشت سرمایه انسانی است. مهاجرت موجب افت و حتی مانع توسعه اقتصادی می شود. در بلند مدت این اثر قوی تر است و موجب دورتر شدن کشور از مرز تکنولوژی می شود. الیوت (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان ((مهاجرت یا فرار مغزها)) بیان می کند که در آمریکا فعالیت هایی پیرامون جذب متخصصان کشورهای دیگر که شرکت های آمریکایی به تخصص آنها نیاز دارند انجام می شود. همچنین بیان می کند مهاجرت یک توصیف کلیدی است که می تواند شکاف هایی را پر کند. مهاجرت از کشورهای در حال توسعه اغلب وابسته به عملکرد احساسی افراد باهوش است که در شرایط نامناسبی قرار دارند و رشد جریانات علمی در سرتاسر دنیا وابسته به تحقیقات افرادی از این دست می باشد که فرصت هایی را ایجاد می کند و این فرصت ها مرتبط با کشورهای مقصد بوده و در جایگاه خاصی عنوان می گردد. در حالی که در اقتصادهای از هم گسیخته توجه به تحقیقات علمی چندان مورد توجه قرار نمی گیرد.

وین برگ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان "توسعه علمی: عملکرد علمی و فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه" نشان می دهد، ایجاد جامعه علمی قوی مهم است و این امر، نیازمند حفظ زنجیره ی تولید و تربیت دانشمندان در کشوری باشد. کشورهای در حال توسعه تعداد قابل توجهی از دانشمندان را تربیت می کنند ولی به هنگام استفاده از توانایی ها و مهارت های آنان به صورت فرار مغزها از کشور خارج می شوند. متغیرهای سطوح آموزش و پرورش، جمعیت و سرانه تولید ناخالص داخلی از عوامل تاثیر گذار در تربیت و اقامت دانشمندان مهم در یک کشوری باشند. همچنین متغیرهای دموکراسی و شهرنشینی رابطه مستقیم با انباشت دانشمندان یک کشور دارد و نبود دموکراسی به پدیده فرار مغزها کمک می کند. اسکندر (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان ((مهاجرت و توسعه ی دانش ضمنی)) به این نتیجه رسید که امروزه به دانش، مهاجرت های بین المللی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی توجه زیادی می شود. در این میان تمرکز بیشتر، روی تحصیلات رسمی و نقش مهاجران به عنوان انتقال دهندگان دانشی که با خود به جوامع دیگری برند وجود دارد. این تحقیق به بررسی دانش ضمنی کارگران ساختمانی فیلادلفیا و رالی دورهام می پردازد. و به این نتیجه رسیده است که زمانی که یک فرد مهاجر می خواهد دانش خود را انتقال دهد آن را به گونه ای صحیح ترویج و انتقال می دهد. تربیان می کند. به عبارت دیگر مهاجران در صدد خلق راهکارهایی خلاقانه برای پیشبرد اهداف کاری و تحصیلی خود هستند. اسکیلو ریویلا دایز (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان ((تاثیر دگرگونی ها (تحركات) علمی بر خلق دارایی های

نامشهود منطقه ای)) برای عقیده اند که دانشمندان گنجینه های عظیمی از دانش اند. بنابراین رشد بین المللی علمی نقش مهمی را در جریانات علمی داخلی ایفا می کند. این مقاله به بررسی و تحلیل الگوهای دانشمندان بزرگ، منطق حاکم بر تصمیماتشان و روابط بین حرکت های علمی و خلق دارایی های نامشهود می پردازد. مواد این مقاله ترکیبی است از مصاحبه با ۲۵ دانشمند آلمانی و مطالعات دیگر. یکی از بزرگ ترین دریافت های این مقاله این بوده است که حرکت مداوم دانشمندان بر جریان دانش و دارایی های نامشهود منطقه ای تاثیر گذار است.

هنری تیلی (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان "فقر کمتر، مهاجرت بیشتر: جریان مهاجرت از کشورهای در حال توسعه" به بررسی جریان مهاجرت و رابطه آن با رشد اقتصادی از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای توسعه یافته می پردازد. این پژوهش در راستای پاسخ به این باور اشتباه که بین رشد اقتصادی و مهاجرت از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای توسعه یافته رابطه ای خطی وجود دارد، انجام شده است. این پژوهش به بررسی مهاجرت و رابطه آن با رشد اقتصادی در ۴۸ کشور در حال توسعه در آفریقا، آسیا، آمریکای جنوبی و مرکزی به کشورهای مهاجرپذیر توسعه یافته UK در یک دوره ۳۳ ساله (۱۹۷۳-۲۰۰۵) می پردازد. نتایج این پژوهش نشان می دهد یک رابطه U شکل معکوس بین توسعه اقتصادی و مهاجرت از کشورهای در حال توسعه به UK وجود دارد که البته این رابطه به تجمع کشورها حساس است. برتی و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیق خود با عنوان ((بررسی تاثیر مهاجرت بر واردات و صادرات)) به بررسی تاثیر علی مهاجرت بر جریانات بازرگانی پرداخته شده، این تحقیق با استفاده از ویژگی های اجتماعی-اقتصادی استان های ایتالیا بدون در نظر گرفتن جاذبه های فرهنگی و تاریخی آن انجام شده نتایج این تحقیق نشان می دهد که مهاجرت ها تاثیر مثبتی تنها بر واردات دارند. داکوایر، زدن و پری (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "تاثیر مهاجرت های داخلی و بین المللی در کشورهای OECD بر بازار کار" با استفاده از داده های جهانی مهاجرت و سطح آموزش مهاجران به این نتیجه رسیده اند که مهاجرت های داخلی اثر مثبتی بر دستمزدهای افرادی با تحصیلات کمتر داشته و متوسط دستمزد بومی ها را افزایش می دهد. در عوض مهاجرت بین المللی بر دستمزدهای کارگران بومی تحصیل کرده تاثیر منفی گذاشته و انعطاف ناپذیری را در کشورها افزایش می دهد. سادرلند (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "مهاجرت یعنی توسعه: چگونگی الگوی مهاجرت بعد از ۲۰۱۵" می گوید امروزه بیش از یک بیلیون نفر به منظور فرار از فقر و جنگ، شوک های محیطی و اقتصادی، بهبود درآمد، سلامت، بهداشت و آموزش اعضای خانواده شان اقدام به مهاجرت های داخلی و بین المللی می کنند. وجوه ارسالی سالانه این مهاجران به کشورهای در حال توسعه حدود ۵۰۰ بیلیون دلار است. یعنی سه برابر کمک های دفتر توسعه (ODA) امروزه مباحث پیرامون مهاجرت های پس از ۲۰۱۵ مطرح شده که نتایج آن نشان دهنده تغییری کیفی در نگرش به مهاجرت است. مهاجرت های پس از ۲۰۱۵ مانند گذشته نوعی شکست محسوب نمی شوند. در گذشته مهاجران رایشتر آنکه اسباب کاهش فقر بدانند، آنها را باری اضافه و تحمیلی می دانستند. اما اکنون لازم است این امر توسط دولت بیشتر کنترل شده و خط مشی

هایی جهت کاهش هزینه های مهاجرت، رفع تبعیض علیه مهاجران و حفاظت از حقوق آنان که می تواند منجر به کسب دستاوردهای بسیار بزرگتری در راستای توسعه شود، اتخاذ گردد. ارکا کارو، بیلی و ون ویسن (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان " بررسی رابطه بین مهاجرت داخلی و مهاجرت‌های بین المللی در آلبانی (باتاکید بر مهاجرت‌های داخلی)" بیان می کنند آلبانی در طول ۲۰ سال گذشته تغییرات اقتصادی، اجتماعی گسترده ای ناشی از مهاجرت‌های داخلی و بین المللی را تجربه کرده است. جریان مهاجرت از آلبانی نشان دهنده ترکیبی از مهاجرت‌های داخلی، بین المللی و بازگشت است و این پژوهش به بررسی رابطه مهاجرت‌های داخلی و بین المللی می پردازد. به طور عمده مهاجرت داخلی خانواده ها از مهاجرت‌های بین المللی دیگر اعضای خانواده و آشنایان تاثیر می پذیرد و وجوه اقتصادی و اجتماعی مهاجرت‌های داخلی نیز به نوبه خود بر معاش و کیفیت زندگی افراد تاثیر گذار می باشد.

دجیک (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان " مهاجرت و رفاه موقت " به بررسی پیامدهای مهاجرت و رفاه موقت ناشی از آن می پردازد. وی بیان می کند یک چارچوب تعادل کلی اینست که سرمایه اعم از نیروی کار و سرمایه مادی منابع درون زا هستند که ذخیره سازی و تصمیم به مهاجرت از عوامل بهینه سازی آنها محسوب می شود. نتایج این پژوهش نشان می دهد رفاه غیرمهاجران هنگامی که مهاجران برای یک دوره زمانی ۸-۱۲ سال به کار گرفته می شوند ماکزیمم است که البته این امر تابع دو عامل هزینه مهاجرت و میزان حمایت کشور میزبان است.

۳- سوال های پژوهش

به منظور دستیابی به هدف این پژوهش که تبیین تاثیر مهاجرت سرمایه های فکری بر خلق و اشاعه دانش و بررسی و ارائه راهکارهایی جهت جلوگیری یا کاهش مهاجرت سرمایه های فکری می باشد. سوالات اختصاصی پژوهش به شرح زیر تدوین و در ادامه به بررسی و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته می شود:

۱- تاثیر مهاجرت سرمایه های فکری بر خلق و اشاعه دانش بومی چیست؟

۲- حفظ سرمایه های فکری در بهبود و ارتقاء جایگاه کشور در سطح بین المللی تا چه حد موثر است؟

۳- راهکارهای جلوگیری یا کاهش مهاجرت سرمایه های فکری چیست؟ در این راستا آموزش تا چه حد می تواند موثر باشد؟

۴- روش شناسی پژوهش

از آنجا که رویکرد کیفی، رویکرد مناسبی در جهت کشف داده های جدید و غیره منتظره است و به زبانی ساده تر برای مطالعات توصیفی و اکتشافی مناسب است (مارشال و راس من، ۱۳۷۷) در این پژوهش جهت بررسی نقش مهاجرت سرمایه های فکری بر جریان دانش از روش کیفی استفاده شده است. و با توجه به اینکه جامعه آماری شامل استادان و خبرگان

دانشگاهی بود. برای تعیین حجم نمونه بدلیل نبود پایگاه اطلاعاتی مناسب جهت شناسایی این افراد از روش "گلوله برفی" یا زنجیره ای یاشبکه ای^۵ استفاده شد. براین اساس که از صاحب نظران و خبرگان در دسترس درباره سایر متخصصان و صاحب نظران اطلاعاتی دریافت شد و زمانی برای ملاقات و مصاحبه با این افراد تعیین گردید. تعداد نمونه ای که براین اساس تکمیل شد ۲۱ نفر بودند.

در راستای انجام این پژوهش برای تدوین مبانی نظری از مطالعه کتابخانه ای (اسنادی) از جمله مطالعه کتب و نشریات داخلی و خارجی و جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی و استفاده از تجارب محققین دیگر استفاده خواهد شد و برای گردآوری داده‌ها جهت پاسخگویی به سه پرسش؛ تاثیر مهاجرت سرمایه های فکری بر خلق و اشاعه دانش بومی چیست؟ حفظ سرمایه های فکری در بهبود ارتقاء جایگاه کشور در سطح بین المللی تاچه حد موثر است؟ راهکارهای جلوگیری یا کاهش مهاجرت سرمایه های فکری چیست ؟ در این راستا آموزش تاچه حد می تواند موثر باشد؟ از روش مصاحبه های نیمه ساختار یافته استفاده شده است. فرآیند مصاحبه و گردآوری اطلاعات به این ترتیب بود که قبل از انجام مصاحبه از افراد درمورد امکان مصاحبه کسب اجازه می شد و در همان زمان یا هر زمانی که مصاحبه شونده اعلام آمادگی می کرد مصاحبه انجام می شد. در ابتدای مصاحبه هدف پژوهش و توضیحات لازم پیرامون پژوهش داده می شد. در نهایت سؤالات تحقیق پرسیده می شد و با توجه به ماهیت نیمه ساختار یافته سؤالات ، سؤالات دیگری نیز با توجه به پاسخ ها و صحبت های حاشیه مصاحبه شونده مطرح می شد. مدت زمان مصاحبه از ۱۰ تا ۶۰ دقیقه متغیر بود.

برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش، از روش تحلیل موضوعی یا تماتیک استفاده شده. تحلیل تماتیک عبارت از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی است که در آن محقق از طریق طبقه بندی داده ها و الگویابی درون داده ای و برون داده ای به یک سنخ شناسی تحلیلی دست می یابد. (محمدپور، ۱۳۹۰).

۵- یافته ها

در این بخش با توجه به اینکه تعداد افراد مصاحبه شونده ۲۱ فر می باشد و برای هر یک از سوالات پژوهش این امکان وجود دارد که مولفه هایی وجود داشته باشد و به علت جلوگیری از طولانی شدن مطلب بعضی از نظرات مخالف و موافق در مورد هر سوال آورده می شود.

۵-۲ سوال اول: تاثیر مهاجرت سرمایه های فکری بر خلق و اشاعه دانش کشور چیست؟

در این راستا با ۲۱ نفر از استادان و متخصصان دانشگاهی مصاحبه به عمل آمد. براساس تحلیل مصاحبه های انجام شده با صاحب نظران ۵ تم به عنوان مولفه های خلق و انتقال دانش شناسایی شد که عبارتند از: (۱) بنیان دانش (۲) یادگیری (۳) تقاضا و فراهم کردن زمینه بکارگیری و تبدیل دانش به تولید و بازگشت حقوق مادی و معنوی به خالقان دانش

°. snowball sampling, chain, Net work sampling

۴) ارتباطات و تبدلات علمی، آزادی و فضای ایدئولوژیکی باز و ۵) توجه به انگیزش‌ها، علاقمندی‌ها و فراهم کردن امکانات و تجهیزات پژوهشی که در ادامه به توصیف مصاحبه‌های انجام شده در ارتباط با هر یک از تم‌ها می‌پردازیم.

۱) بنیان دانش: بنیان دانش از مولفه‌های اصلی خلق و انتقال دانش است که در گفته‌های اکثر مصاحبه‌شوندگان وجود افراد صاحب اندیشه و تحصیلکرده به عنوان اساس خلق دانش بطور آشکار و ضمنی وجود داشت چراکه برای کشف و خلق هر پدیده‌ای ابتدا باید خالق و ابزار اولیه آن وجود داشته باشد تا آن پدیده موجودیت یافته، وجود یابد. در ذیل تعدادی از این مصاحبه‌ها را مرور می‌کنیم:

« مابرای دانش به بنیان دانش احتیاج داریم به اون حافظه شون به اون رویه‌هایی که در رفتار شون نشون می‌دن اینها هستن که باعث خلق دانش می‌شن اگر بخواییم دانش رو اشاعه هم بدیم باز به این افراد احتیاج داریم چراکه مابدنبال دانش نیستیم که درآی تی قرار می‌گیره و بصورت سی دی بیرون می‌یاد ما احتیاج به اون دانش پنهان داریم ... بنابراین رفتن این سرمایه‌ها ضرر و خسران جبران‌ناپذیری به فرایندهای دانش‌آفرینی در کشور وارد می‌کنه» (کد ۱۸)

« مهاجرت هر سرمایه‌فکری، هر متخصصی که از یک مسیر غربالگری از دوره مهدکودک و پیش دبستانی شروع میشه تا بالاترین رده‌های تخصصی جریانی است که بصورت خیلی سیستماتیک منابع و استعدادها را یک کشور رو دستچین و گلچین میکنه » (کد ۱۶)

« برای این که سازمان‌های هوشمند داشته باشیم باید افرادی داشته باشیم که این افراد معلم و رهبر باشند، مسائل و مشکلات رو حل بکنن و بتونن به اون ایده و چشم انداز و راهبرد‌هایی که تدوین میشه دست پیدا بکنن به هر حال معنای این مهاجرت اینه که بخشی از دانش فردی اگه باور این باشه که مفهوم دانش از دانش ضمنی و عینی تشکیل شده داره منتقل میشه و یک لرزه دانشی بر اندام اون سازمان می‌افته و یه ستون یا بخشی از کار اون معطل میشه » (کد ۷)

اظهار نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ به عنوان یک نظر مخالف قابل تأمل است:

« مهاجرت سرمایه‌های فکری! اصلاً مگر مغزی هست ؟ اینها دروغه، اینها کلیشه‌ایه ، اینهارو ساختن» (کد ۱۱)

۲) یادگیری: بر اساس تحلیل گفته‌های مصاحبه‌شوندگان یادگیری به معنای چگونه خلق کردن دانش و به عبارتی خلاق و آفریننده بارآمدن علم آموزان است نه مصرف‌کننده صرف بودن .

« آموزش و علم ما وارداتی و آموزش وارداتی هم تخریب کننده اس ما در کشورمون آقازاده پروری داریم و اهداف جای وسیله قرار گرفتن ما باید به دنبال یافتن باشیم نه یافتن» (کد ۳)

« آموزش ما باید طوری عمل بکنه که برای دانش آموز درونی سازی و ملکه ذهن بشه که در آینده دانشی رو تولید بکنه و از اون دانش در راستای تولید و رشد اقتصادی استفاده کنه و صرفاً مصرف کننده نباشه» (کد ۱۷)

« ما می تونیم افراد با انگیزه رو حتی به عنوان یادگیرنده هایی از جامعه جهانی به کشورهای دیگه بفرستیم و با انگیزه هایی اونارو برگردونیم تا این جریان های یادگیری بیشتر اتفاق بیفته ما در این فرآیند یک نوع یادگیری تکنولوژیکی، یادگیری سیاسی، یادگیری اجتماعی و یادگیری فرهنگی رو داریم» (کد ۱۰)

۳) تقاضا و فراهم کردن زمینه بکارگیری و تبدیل دانش به تولید و بازگشت حقوق مادی و معنوی آن: این تم مولفه دیگر خلق و اشاعه ی دانش است که نبود یا ضعف آن بر تولید دانش تاثیر بسزایی دارد .
« تقاضا خیلی مهمه ، تقاضا برای علم ودانش در کشور ما وجود نداره بیشتر بعد عرضه مهمه دارن دانشگاه عرضه میکنن، سازمان ها خیلی متقاضی پژوهش های سرمایه فکری ما نیستن و تقاضاهم که نباشه حمایت ها کمتر میشه» (کد ۱)

« به هرحال مسائل تحقیقاتی باید از یه جایی زاییده بشه به هرحال تحقیق رو برای یه جایی انجام میدن وقتی صنعت ما مسئله ای نداره بنابراین ساختار خیلی مناسبی وجود نداره و ظرفیت جذب این ها محدوده ... چراکه صنعت ما عقب مونده و منفک از دانشگاهست . صنعت ما به دانشگاه نیاز نداره یعنی مسائلش کمتر از سطح علمی دانشگاه و در حد تکنسین نه پی اچ دی ... مسئله باید در اقتصاد ، صنعت، فرهنگ، آموزش و جامعه ما ایجاد بشه ... در غیر این صورت تحقیقات عملاً گسسته از جامعه و شرایط ماست و اینها میشن عمله نظام علمی دیگران» (کد ۱۵)

« ما جایگاهمون در تولید مقاله بالاست ولی الزاما تولید و خلق دانش نیست ما حتی وقتی پژوهشمون بنیادی باشه وقتی هدفگذاری می کنیم نمی یایم ببینیم آیا نیاز و جای بکارگیریش رو داریم وقتی ما بوجود هم بیاریم و خلق دانش هم بکنیم اینارو کسایی می برن که جای بکارگیری اونو داشته باشن» (کد ۶)

۴) ارتباطات ، تبادلات علمی، آزادی و فضای ایدئولوژیکی باز: ارتباط درست وهوشمندانه وفضای باز: ایدئولوژیکی با حفظ باورها و فرهنگ ملی وبومی از جمله عناصری است که سبب رشدوتعالی دانش، پیشرفت و هنر باهم و در کنار هم زیستن می شود. نمونه هایی از اظهارات مصاحبه شوندگان پیرامون این مولفه اینگونه است:

« چون مهاجرت به کشورهایی انجام میشه که از سطح دانش بالاتری نسبت به ما برخوردارن در صورتی که شرایط فراهم باشه که افراد برن و تحصیل کنن و با دانش جدید برگردن و شرایط رفت و آمد و تبادل فرهنگی با اون کشورها فراهم باشه کشور ما می تونه از این امر سود ببره و تجربیات مارو در زمینه علمی و غیره بالا ببره » (کد ۲)

« من فکر می کنم اگر افراد تحصیل کرده و مغزهای متفکر داخل کشور بودن و البته به جریانهای تحقیقاتی و مطالعاتی در سطح جهان هم دسترسی داشتن و می تونستن در سطح جهان رفت و آمد کنن ولی حضور اصلیشون در ایران باشه یقیناً ایران خیلی بیشتر، از اونها می تونست استفاده کنه فراهم کردن یه فضایی که اینها بتونن کار پژوهشی و تحقیقاتی داشته باشن، در یه حدی آزادی هایی، آزادی هایی که تفکر رشد و نمو پیدا کنه و تسهیل برقراری ارتباطات با جوامع علمی، شرایط تحقیقاتی و آزادی های نسبی این ها اگر مهیا بود یقیناً وضعیت خیلی بهتر بود » (کد ۸)

« اگر مهاجرت یک طرفه باشه و تعاملی وجود نداشته باشه مهاجرت سرمایه های فکری موجب خلأ دانایی در کشور میشه یعنی باعث میشه تولید، توزیع، ترویج و اشاعه دانش در داخل کشور ضعیف بشه ... شما کشور بسته ایدئولوژیکی رو نمی تونی پیدا کنی که توسعه یافته باشه. دریک کشور کاملاً علمی، کاملاً باز که دانش به خوبی تولید، ترویج و تبدیل میشه مستحق توسعه است بقیه کشورها نمی تونن این کار رو بکنن و نمی تونن توسعه پیدا کنن » (کد ۱۰)

۵) توجه به انگیزش ها، علاقمندی ها و فراهم کردن امکانات و تجهیزات پژوهشی: آنچه مولفه های خلق و اشاعه دانش را کامل می کند توجه به علاقمندی های افراد و فراهم کردن امکانات و تجهیزات پژوهشی است که به تعدادی از مصاحبه هادر راستای این مولفه اشاره می کنیم:

« افراد تحصیل کرده بخصوص افراد قوی و نخبه علاوه بر عوامل برانگیزاننده و مشوق های عمومی و حداقل های زندگی، عوامل برانگیزاننده ی خاص خودشون رو دارن که فراهم کردن اونها از عوامل مهم تولید علم و دانش شاید مهم ترین عوامل برگرده به زمینه ها و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که اگر این ها مساعد باشه شاید اون خدمات و فعالیت ها و کارهایی رو که می تونن در داخل کشور انجام بدن و ثمرات اونها به جهان برسه نه اینکه اینها برن و ثمرات اونها از کشورهای دیگه به اینجا برسه حمایت ها و وجود سرمایه های ریسک پذیر تو کشور ما از این موارد کمه اینکه سرمایه ای باشه و ریسک پذیری بالایی داشته باشه چون پژوهش نتایجش مشخص نیست و معلوم نیست کی به نتیجه برسه یا اصلاً به نتیجه برسه یا نرسه و وجود این سرمایه ها خیلی مهمه و در خیلی از کشورها این موقعیت رو فراهم میکنن » (کد ۱)

« مگر در کشورهای توسعه یافته معجزه ای رخ داده؟ دانشمندان که در خلأ بوجود نیامدن این افراد هم روزی دانش آموز بودن در همین اجتماع زندگی می کردن، از فکر اجتماع استفاده می کردن و در جامعه رشد پیدا کردن همه ما

انسان هستیم همین دقت ها، توجه ها، گذاشتن فکر روی فکر، ارزشگذاری روی افراد و آموزش های درسته که برخی کشورهای دیگه رو ساخته و همون انسان تو کشور منم هست فقط باید ساختارها اصلاح بشه انگیزه و شوق در افراد ایجاد بشه تا اینها رشد داده بشه « (کد ۱۷)

« درخلق دانش یکی از مسائل منابعه اون منابع مادی، مالی، تسهیلات، امکانات پژوهشی، اینترنت و بستر و کانتکس و زمینه ایه که باید فراهم بشه عوامل محیطی، سازمانی، اجتماعی و اقتصادی « (کد ۲۱)

جمع بندی پرسش اول پژوهش: برای پاسخ به سوال اول با این عنوان که تاثیرمهاجرت سرمایه های فکری بر خلق و اشاعه دانش در کشور دارد؟ اکثر صاحب نظران مولفه های بنیان دانش، یادگیری، تقاضا و فراهم کردن زمینه بکارگیری و تبدیل دانش به تولید و بازگشت حقوق مادی و معنوی، ارتباطات، تبدلات علمی، آزادی و فضای ایدئولوژیکی باز و توجه به انگیزش ها، علاقمندی ها و فراهم کردن امکانات و تجهیزات پژوهشی را ذکر کرده اند که مولفه بنیان دانش را غیر از یک مورد از مصاحبه ها، در کشور قابل ملاحظه و توجه و مولفه های دیگر را نامناسب و ضعیف ارزیابی کرده اند .

۵-۲- سوال دوم: حفظ سرمایه های فکری در بهبود و ارتقاء جایگاه کشور در سطح بین المللی تاچه حد موثر است؟

۳- راهکارهای جلوگیری یا کاهش مهاجرت سرمایه های فکری چیست؟ در این راستا آموزش تا چه حد می تواند موثر باشد؟

در این راستا مصاحبه شوندگان نظرات متعددی در قالب های گوناگون و محتوا و مضمونی مشابه ارائه دادند و متفق القول بر این عقیده بودند که حفظ سرمایه های فکری به شرط فراهم بودن ساختار و بسترو زمینه بکارگیری و استفاده از این افراد می تواند در وضعیت و جایگاه ایران در عرصه بین المللی تاثیر مثبت قابل توجهی داشته باشد .

« حفظ اینها خیلی نقش مهمی می تونه داشته باشه ولی مهم اینه که اونها در واقع بعنوان بازیگر باشن تو اون جایگاه ها یعنی بعنوان کنشگر اصلی باشن و فضای لازم برای کنشگری اونها در کشور وجود داشته باشه اگر باشن ولی اون فضا نباشه ممکنه خیلی موثر نباشه ولی اگر اینها می بودن و می تونستن از سیستم های داخلی حمایت کنن جایگاه ایران خیلی برتر بود « (کد ۱)

« در بهبود جایگاه ایران خیلی زیاد خیلی زیاد می تونست موثر باشه اگه ساختار فراهم بود اگه ساختمانی توسط یه مهندس ایرانی با توجه به بافت ایرانی، فکرایرانی، و دغدغه ایرانی ساخته می شد اگه تو پزشکی دانش دنیارو کسب می کردن و می یاوردن داخل فرهنگ خودمون بهتر بود « (کد ۹)

« بی نهایت بی نهایت بی نهایت می تونه موثر باشه اصلا فضا و گفتمان عوض میشد سطح دیالوگ ها سطح گفتگو ها عوض می شد شما فکر نکنید یه وقتی هوا پاکه چه جویری نفس می کشید با یه جای که هوا مسموم و بیمار من فکر می کنم وجود افراد دانش بنیان، افرادی که دانش رو با خودشون حفظ می کنن افرادی که فرهیخته هستن فضا رو عوض می کنه ... و اگر می بینیم الان فضای حاکم بر محیط های علمی ما علمی نیست شاید قسمت اعظمش اینه که اکثر کسانی که دغدغه علمی داشتن نیستن و کسانی که هستن بیشتر دغدغه ماندگاری و ثبات در سیستم رو دارن » (کد ۱۸)

« بسیار زیاد امروزه ثابت شده حرف اول و آخر رو علم می زنه بنابر این اگر ما یه روزی هم بتونیم نیروی انسانی ماهرمون رو حفظ کنیم ارزششون چندین برابر منبع عظیم نفتی ماست منتهی ما بیشتر رو نفتمون سرمایه گذاری کردیم و کمتر روی نیروی انسانی ماهرمون که دارن جامعمون ترک می کنن » (کد ۲۰)

جمع بندی سوال دوم پژوهش: بنابر آنچه مصاحبه شوندگان اظهار داشتند تاثیر مثبت حفظ افراد تحصیلکرده و صاحب اندیشه منوط به فراهم کردن شرایط بکارگیری آنان ، در حاشیه قرار ندادن آنها و مدیریت درست استعدادهاست و صرف حفظ استعدادها بدون استفاده درست نمی تواند تاثیر مثبتی بر جایگاه کشور داشته باشد همچنانکه صرف داشتن بذرخوب بدون شرایط آب و هوایی مناسب ، خاک مرغوب و مراقبت های ویژه نمی تواند محصول خوبی بدست دهد.

۵-۳- سوال سوم: راهکارهای جلوگیری یا کاهش مهاجرت سرمایه های فکری چیست؟ در این راستا آموزش تا چه حد می تواند موثر باشد؟

صاحب نظران در رابطه با این سوال راهکارهای مختلفی را مطرح کردند که مهم ترین و پر تکرار ترین راهکارها عبارت اند از ؛ فراهم کردن فرصت های شغلی و بهبود شرایط اقتصادی، حفظ منزلت اجتماعی، شایسته سالاری و عدالت اجتماعی، تقویت مدیریت صحیح، مشارکت دادن این افراد در برنامه ریزی ها، تصمیم گیری ها و سیاست گذاری ها، تحقق آرمان های علمی و پژوهشی، برقراری ارتباط با سایر کشورها و ایجاد فضای باز، بازنگری نظام آموزشی و تقویت هویت ایرانی- اسلامی .

- **راهکار اول:** تامین فرصت شغلی مناسب و بهبود شرایط اقتصادی: ۱۳ نفر از مصاحبه شوندگان بطور مستقیم راهکار تامین فرصت های شغلی و بهبود شرایط اقتصادی را مطرح کردند که اظهار نظر برخی از آنان اینگونه است:

« عامل اصلی مهاجرت بازار کار، شرایط اجتماعی، سیاسی و بحران بیکاریه الان بازار کار ما شدیداً ناکارآمده ما ۴/۵ میلیون دانشجو داریم که در سالهای آینده وارد بازار کار میشن و ما سونامی بیکاری خواهیم داشت و بیکاری هم به

خودی خود مطرح نیست عواقب اجتماعی، سیاسی و مشکلات دیگری هم داره که اگر شرایط فراهم نشه بالطبع مهاجرت ها بیشتر هم می شه و اینطور به نظر میرسه که ما شدیم دبیرستان آقایون ما هزینه کنیم ملت ما هزینه کنن و بعد برن اونجا کار کنن» (کد ۲)

«من کسی رو می شناسم که ۳۰،۲۰ سال پیش در کشور دیگری فیزیک هسته ای خوندن و برگشتن ایران و کاری براشون نبود که یه آجرسازی راه انداخت و با دوتا برادرش اونجا کار می کرد بعد یه پیشنهاد از کانادا بهش دادن و رفت و الان بین کانادا و سنگاپور در رفت و آمده وقتی جای بکار گرفتن افراد وجود نداره باید چیکارکنن؟» (کد ۶)

«ما باید آسایش نسبی و فرصت های شغلی رو برای صاحبان فکر بوجود بیاریم کسی که بعنوان نخبه شناخته میشه فقط اینطور نباشه که یک اوح تقدیر به او بدیم و این افراد رو بدون هزینه برای دیگران شناسایی کنیم و بعدش قلاب انداختن و ربودن اینها وقتی فرد نه فرصت شغلی نه فرصت تهیه مسکن و نه فرصت ازدواج و غیره رو داشته باشه مهاجرت میکنه لوح تقدیر چه بدرتش میخوره» (کد ۷)

«طبیعتاً طرف مصرف یا تقاضا سرمایه های فکری تولید شده توسط دانشگاه، جامعه است نظام اجتماعی ما باید متقاضی متخصصان باشه اینطور نباشه که ما فارغ التحصیلمون رو تو کشور نگه داریم و بگیریم برو سربازی و بعد بیا برو ماهی ۸۰۰ هزار تومن بگیر خب همین بیرون ۸ هزار دلار بهش میدن ما باید نظام تقاضامون اصلاح بشه و وابستگی مون به نفت به صفر برسه که باورمون بشه که باید باهم رقابت کنیم تا بتونیم زندگی کنیم در غیر اینصورت مثل معتادانی هستیم که رگمون وصله به سرنگ نفت کشور چه تولید کنندمون چه مصرف کنندمون» (کد ۱۶)

- **راهکار دوم:** حفظ منزلت اجتماعی، شایسته سالاری و برقراری عدالت اجتماعی است. چند نمونه آن این گونه بیان شده است:

«تعریف ها و تمجیدها مسکن های مقطعی هستن ما باید برای سرمایه های فکری خودمون ارزش، احترام و کرامت اجتماعی قائل باشیم برای تحصیلکرده ها ارزش و احترام قائل باشیم الان شما کارت استادی یا عضو هیئت علمی داشته باشی بعضیا نمی دونن این یعنی چی ما باید به جامعه آموزش بدیم که ارزش علم و عالم و صاحب فکر رو بدونن و صاحب فکرم فقط کسی که دکتر شده استاد تمام شده نیست اون صنعتگری هم که صاحب صنعتی یا اون هنرمندی که هنری داره سرمایه فکری کشور. برای اینها ارزش قائل باشیم بهاء بدیم آن وقت مهاجرت ها کم میشه ما نتونستیم شایسته سالاری رو در سازمانهامون آنطور که شایسته و بایسته است پیاده کنیم میبینیم که در برخی از سازمانها یه نفر از تیر غیب میاد و افراد دیگرو کنار میذاره یه جوان ۲۵ ساله و بعد هم از افراد غیر متخصص استفاده میشه و از تجربه های علمی و دانش افراد در مسئولیت های اجتماعی استفاده نمی کنیم» (کد ۷)

« وقتی دانشجوی شریف که دوترم توی نمازخونه خوابگاه می خوابه اون طرف حقوق چندهزاردلاری بهش میدن و فرش قرمزبراش پهن میکنن معلومه اونجا روترجیح میده» (کد ۱۳)

« از راه‌های دیگه جلوگیری از این مهاجرتها ارزش گذاشتن به کرامت انسانی و آموزش اونه یعنی از ابتدا ارزش قائل شدن و منزلت اجتماعی برای نوع انسان هم در مدارس ما آموزش داده بشه و هم در جامعه بهش عمل بشه» (کد ۱۷)

- **راهکار سوم:** تقویت مدیریت صحیح است که اظهار نظر چند نفر از مصاحبه شوندگان قابل تامل است:

« جامعه ما یه جامعه دولتی است و مشکل ما مدیریت میانه است رشد ما رشد اداری دولتی است و در این میان ما به دنبال نگه داشتن میزبستیم و افراد از خودشان قوی ترها رو نمایان افراد ضعیف افراد ضعیف رو میارن نه قوی هارو و افراد ضعیف هم کج فهمی علم دارن مدیریت ضعیف ضعیف پروره نه خلاق پرور اینها عالیشان عالی مقام گو میخوان و ما میان مایگی مدیریت داریم افرادی که با رابطه میان وقتی نظام مدیریت ضعیف باشه نتایجش این میشه که مثلاً برخی از دانشگاه ها مثل دانشگاه آزاد همینطور مدرک صادر بکنه » (کد ۳)

« اشکال مالینه که متولی خاصی که روی یه چیز تمرکز داشته باشه نداریم ماتوپ روبه زمین هم پاس میدیم زمانی که کار عمده و مثبت بخواد صورت بگیره مال ماست وزمانی که بخوایم سنگلاخ های یه راه رو برداریم این به اون پاس میده اون به یکی دیگه وزمان از دست میره» (کد ۱۲)

« من با خیلی از ایرانیهای مقیم کشورهای دیگه برخورد داشتم خیلی ها دلشون تو ایران و دوست دارن بیان منتهی هنر من مدیر در ایران اینه که اونهارو دارایی ببینم بخصوص جوونا، اونهارو جذب بکنم جذاب باشم ... ما آنچه کم داریم مدیریت هوشمندانه است تو همه ابعاد از ابعاد سیاسی، اقتصادی، سازمانی، بازار و کسب و کار و غیره تو همه زمینه ها مدیریتی که بتونه از این همه پتانسیل استفاده بکنه » (کد ۱۹)

- **راهکار چهارم:** مشارکت دادن این افراد در برنامه ریزی ها، تصمیم گیری ها و سیاستگذاری هاست :
« چون از سرمایه های هوشی ما استفاده بهینه نمیشه و حاشیه نشین هستن در نتیجه بودنشون چندان موثر نمی تونه باشه چون همونهای که هستن حاشیه نشین » (کد ۲)

« جذب آدم های حرفه ای سخت نیست نگهدارنشون سخت تره اون آدمی که بخاطر دادن حقوق عالی میاد شاید در کوتاه مدت بخاطر پول بیاد ولی در بلند مدت بخاطر پول نمی مونه میاد که ایده هاشو پیاده کنه چون اگه نیاز به پول هم داشته باشه دیر یا زود تامین میشه این ها چه وقت می ماند؟ وقتی که به بازی گرفته بشن وقتی که مشارکت

داده بشن احساس تعلق بکنن ... مسئله پولم نمیگم نیست ولی در اولویت های خیلی پایین تره همینکه احساس مشارکت داشته باشن خیلی مهمه» (کد ۱۹)

« افراد باسواد ما بعنوان متخصص و کارشناسان مورد وثوق جاهایی که باید باشن نیستن و یکی از مسائلی که وجود داره اینه که اصحاب متخصص رشته خاص در جاهایی که مورد نیازه در تصمیم گیری ها در برنامه ریزی ها نقش داشته باشن و ما اینهارو اونجاها نمی بینیم و یکی از دلایلی که بعداز مدتی یا خودشون به خارج از کشور میرن یا محصولات اونها در دانشگاه ها وقتی می بینن اساتیدشون در دانشگاه ها محلی از اعراب ندارن میرن » (کد ۲۰)

- **راهکار پنجم:** تحقق آرمان های علمی و پژوهشی، برقراری ارتباط با سایر کشورها و ایجاد فضای باز است که نمونه هایی از آن اینگونه بیان شد:

« یکی از دلایلی که افراد میرن اینکه میخوان از سطح دانش بهتری برخوردار بشن و در جامعه ای زندگی کنن که آزادی بیشتر و قید و بندها کمتر باشه و بهبود شرایط و آزاد کردن اون فضاها می تونه موجب ماندگاری اونها بشه به مقدار محدود کردن و بستن فضاها منجر به خروج اونهامیشه یعنی باید سیاست هایی وجود داشته باشه که نسبت به بهبود شرایط محیطی اقدام بشه دو نمونه چین وهند رو با جمعیت زیاد و زیر ساخت هایی که خیلی خوب نبود ولی بواسطه همین باز کردن فضا و ارتباط و تعامل با دنیا دارن کشورشون پیش میرن و میبینیم رشد اقتصادی هند ۱۰ درصد یعنی اگر ارتباط هابر قرار باشه مهاجرت خوبه ولی در کشور ما اینطور نیست و میرن و ارتباط ها قطع میشه» (کد ۱)

« اگه فرد تحصیل کرده ... امنیت تحقیقاتی یعنی فرد خیالش راحت باشه که بابت کار پژوهشی پولی نمی پردازه اهمیتی که تصمیم گیران و دست اندکاران به تحقیق و پژوهش و در دسترس بودن تجهیزات آزمایشگاهی اینها اگر مهیا باشه یقیناً درصد کمتری مهاجرت میکنن» (کد ۸)

« اینها خیلیاشون افرادی هستن که دوست دارن در اوج تعالی علمی و در مرزهای دانش و تفکر قرار بگیرن و دغدغه علمی دارن و اونهامیدونن چطور اینهارو جذب کنن که کنجکاوی علمیشون اغناء بشه ولی ما اونهارو درگیر و مشغول دغدغه های اولیه زندگی درگیر دغدغه نان و مسکن میکنیم» (کد ۱۵)

- **راهکار ششم:** بازنگری ساختار نظام آموزشی است که ۱۳ نفر از مصاحبه شوندگان بطور مستقیم به آن پرداختند نمونه هایی از آن اینگونه بیان شده است:

« مادر برنامه ریزی آموزشی و درسی مامحتوای درسی رو از کشورهای دیگه اقتباس می کنیم ولی زمینه ای برای بکارگیری این خروجی نداریم اونایی که چشم انداز میذارن، فلسفه آموزش و پرورش می نویسند و هدف گذاری میکنن اینا باید عمیق باشه در صورتی که ما با تغییر دولت برنامه هامون هم تغییر میکنه باید در برخی رشته ها نیاز

سنجی کنیم چون برنامه ریزی آموزشی ما اصلاً مبتنی بر نیاز سنجی آموزشی نیست ما باید وقتی رشته ای رو میذاریم جاشو پیدا کرده باشیم زمینه عملی کردن دانش به مهارت در کشور نیست هم در رشته های هایتک و هم علوم انسانی. من در یکی از دانشگاههایی که تدریس می کردم وارد کلاسی شدم که زبان سواحیلی می خونند وارشد و دکترای این رشته هم در اون دانشگاه بود مگر صنایع ما، مطالعه ما، وزارت خارجه ما و کلاً همه حوزه های کاری ما مگر ما چقدر ارتباط کاری با آفریقا داریم که هرساله این همه دانشجو میگیریم همینطور یه آماری از زبان و ادبیات عرب در سازمان شنجش دیدم که باورم نمیشد این رقم واقعی باشه این فارغ التحصیلان چیکار بکنن؟ این ها فقط روی تعداد اینکه بگن ما این تعداد خروجی رو داریم متمرکز شدند درحالیکه اینارو آماده و تقدیم میکنیم به دیگران. برو ویژگی های ورودیت رو بسنج فرآیندتو اصلاح کن به خروجیت فکر کن نه تعدادش» (کد ۶)

« ما باید ساختار آموزش عالیمون رو به نحوی اصلاح کنیم که ظرفیت جذب اینهارو به واقع داشته باشیم» (کد ۱۵)

« ما بایستی هم زمان هم ساختار سیستم آموزشیمون و هم محتوا و هم برنامه های درسیمون و نظام کنکورمون اصلاح بشه ما به دلیل منابع محدودمون باید اولویت بندی و نیاز سنجی بکنیم اینکه چه رشته هایی با چه ظرفیت هایی باید باشه نیاز به نیاز سنجی داره که با برنامه ریزی استراتژیک واقعاً شناسایی بشه چون ما متأسفانه همیشه برنامه هامون واکنشی بوده مثل زیاد کردن دانشگاه ها که واکنشی به ازدیاد متولدین ۶۴،۶۳ بود و یه زمانی دیپلم بیکار معضل بود الان این همه فارغ التحصیل بیکار داریم» (کد ۲۱)

- **وراهکار هفتم:** تقویت هویت ایرانی- اسلامی است که اینطور بیان شده است:

« سیستم آموزشی ما در تقویت و تعمیق هویت ایرانی اسلامی در سالهای اخیر خیلی موفق عمل نکرده و نتیجه اون رو می بینید» (کد ۱۴)

« اینکه مدام به دانش آموز و دانشجوی ما گفته بشه در کشورهای دیگه رشد اقتصادی، رفاه، آسایش و جاذبه های دیگه وجود داره این باید برداشته بشه و اینکه به آبادانی کشور و اینکه این کشور چطور بادست توانمند شما می تونه ساخته بشه نه اینکه تبلیغ صرف بشه ولی تا حدی انجام بشه» (کد ۱۷)

« آموزش میتونه قطعاً در این راستا نقش کلیدی و موثری ایفا بکنه ما می تونیم به مدیرانمون آموزش بدیم به اعضای حرفه ای به سرمایه های آینده آموزش بدیم حالا یه مقداری مخصوصاً از طریق هویت ملی اونهارو تشویق به ماندن کنیم اما قبلش لازمه در سطح کلان سیاستگذاری ها به گونه ای باشه که بخواد فضای خوبی رو برای اونها فراهم کنه» (کد ۱۸)

جمع بندی سوال سوم پژوهش: همانطور که ذکر شد از نکات گفته شده توسط مصاحبه شوندگان ۷ راهکار در راستای کاهش مهاجرت سرمایه های فکری استخراج شد که توجه به آن ها، اصلاح برخی مولفه ها و فراهم کردن شرایط می تواند تاثیر چشمگیری در کاهش مهاجرت ها داشته باشد گرچه مهاجرت همواره در طول تاریخ وجود داشته و دارد اما فراهم کردن بسترها در کاهش آن می تواند مفید و موثر باشد .

۶- بحث و نتیجه گیری

دانش عنصری است که مورد توجه جامعه بشری امروز دارای منزلتی ویژه است که در آینده نزدیک بر جهان حکومت می کند و هیچ ملتی بدون علم چنانکه مقام معظم رهبری می فرمایند «به حقوق خود دست نخواهند یافت بدین جهت که نمی شود علم را از دیگران گدایی کرد» و بی شک حاملان آن سرمایه هایی هستند که زایشگران دانش اند و این زایشگری منوط به وجود عناصری است که از جمله آنها وجود سرمایه های فکری استعاملی که باتوانایی ها و استعداد های درونی و بیرونی، عقل، درایت و مدیریت خود می تواند منابع و توانمندی های بالقوه را با ترکیبی بهینه به کار گیرد، ترکیب نمایند به شکل محصول به جامعه عرضه نماید. عامل دیگر خلق دانش یادگیری چگونه خلق کردن دانش و مولد بودن است که آنچه از مصاحبه ها بدست آمد آموزش مادر این زمینه ضعیف عمل می کند و حال آنکه باید گونه ای عمل کند که دانش آموزان امروز آفرینندگان دانش فرد باشند چرا که پیشرفت کشورها در گرو تربیت انسانها، پیدا کردن اندیشه و به ظهور و بروز رساندن استعداد های درونی افراد است. در کنار آن تقاضا و فراهم کردن زمینه بکارگیری و تبدیل دانش به تولید و بازگشت حقوق مادی و معنوی به خالقان آن، از دیگر عناصر خلق دانش است. ظهور و بروز دانش ساکن در ذهن انسان منوط به وجود عناصری است که زمینه ساز تحقق علم باشد و مادامی که تقاضایی برای دانش جدید وجود نداشته باشد دانش پستوانه ای برای خلق ندارد. بازگشت ثمرات مادی و معنوی (حقوق مالکیت فکری) مشوقی نیرومند در تولید دانش است که در کشور ما ضعیف ارزیابی می شود. یکی دیگر از سازو کارها و نیازهای اصلی تولید و تکوین نهاد علم ارتباطات علمی، محیط پویا و آزادی فکرو اندیشه است. گسترش و پیشرفت علم بازتابی از نظام ارتباطی است از این رو فراهم کردن امکان برقراری ارتباط و چگونگی ساختار جامعه، آزادی و بیان ایده ها بدون منع و محافظه کاری در پیشرفت علم بسیار موثر است. فراهم کردن پیش شرط های زندگی، حقوق مکفی، تامین امکانات و تجهیزات پژوهشی، شناخت جایگاه علم و حمایت از تحقیقات از دیگر مولفه های تولید دانش است. بسترسازی برای خلق دانش، افرادی دانش بنیان تربیت می کند که می توانند منشأ بسیاری از ایده ها، ابداعات، نظریه پردازی ها و تحلیل های هوشمندانه باشند که استفاده از سرمایه فکری و ذهنی آنان از ابزارها و عناصر توسعه، بهبود قانون گذاری ها، سیاست ها و اداره امور کشور، تولید دانش روز افزون، پیشرفت، ثروت، اعتبار بین المللی، مصونیت از نگاه استعماری و ضعف و تحلیل این

سرمایه سبب ناهماهنگی و اختلال در روند توسعه می شود که این امر در درازمدت به جایگاه و وجهه کشور در سطح جهانی پیوند می خورد. از این رو حفظ و نگهداشت آنان امری مهم است که این مسئله، زمینه ها و راهکارهای خاص خودرأمی طلبد. اگرچه این کوچیدن ها چنانچه به صورت چرخشی و در وضعیت تعامل گونه، دادوستدی و تعادلی باشد مفید است و می تواند در انتقال دانش فنی، انتقال و تبادل دستاوردهای ارزشمند علمی و فرهنگی و تجارب ملت ها مفید واقع شود اما خارج شدن از تعادل، تعامل و چرخش بدون مدیریت صحیح و صادر کردن تحصیل کرده ها به جای تولیدات صنعتی گذشته از هزینه هایی که بردوش دولت و ملت کشور مبدا می گذارد در درازمدت سبب تجمع تولیدات علمی در مقصد و تحلیل و تقلیل آن در مبدا می شود. مطابق آنچه استادان و خبرگان دانشگاهی در راستای راه های کاهش مهاجرت ها اظهار داشتند؛ ایجاد فرصت های شغلی و بازنگری قوانین استخدام، برقراری عدالت اجتماعی، شایسته سالاری و حفظ حرمت و احترام به علم و عالم، تقویت مدیریت صحیح از طریق مدیریت افراد علمی، صلاحیت دار و شایسته، گسترش دامنه استقلال و توجه به کیفیت در مدیریت که ضامن تداوم و بقا نظام است، مشارکت دادن افراد صاحب نظر و شایسته در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها که سبب اصلاح و بهبود امور، رشد، تعالی و پیشرفت کشور، بالا رفتن عزت نفس و اعتماد و تشویق آنان به ماندن می شود، در کنار آن تحقق آرمان های علمی-پژوهشی و سهولت برقراری ارتباط علمی بادیای خارج بواسطه توجه و اهمیت دادن به پژوهش و تخصیص بودجه کافی، فراهم کردن امکانات و تجهیزات پژوهشی، تسهیل رفت و آمد و برقراری ارتباط با مجامع علمی سایر کشورها، ایجاد فضایی آزاد و مطمئن برای بیان و تبادل اندیشه بدون وا همه از دست دادن موقعیت، بازنگری و اصلاح ساختار نظام آموزشی اعم از اهتمام و توجه به انتخاب و انتصاب معلمان و مدیران شایسته، توجه به کیفیت در کنار کمیت، غنی سازی محتوای درسی به همراه ارزش های فرهنگی، بومی، دینی و اخلاقی چون؛ عدالت، احترام، مسئولیت پذیری، دقت، نظم، امانت، صرفه جویی، همکاری و تقویت حس تعلق و تعهد به وطن و مقابله هوشمندانه با هجوم نامرئی فرهنگی، ایجاد جاذبه برای یادگیری و مولد بودن، همگامی با تکنولوژی روز دنیا، برنامه ریزی مبتنی بر نیازسنجی درست و هماهنگی دانشگاه و بازار کار که ناهماهنگی آنها نشانی از ناهماهنگی های کارکردی در جوامع آشفته است و در نهایت تقویت هویت ایرانی-اسلامی که برانقطاع فرد از جامعه، بی قیدی و بی تفاوتی به فرهنگ و ملیت خویش بسیار موثر است چرا که بستر نامناسب در کنار ضعف هویت ایرانی-اسلامی به همراه تلاش های امپریالیست رسانه ای که به استعمار نرم کشورها می پردازد عاملی دیگر در برخی از مهاجرت ها است. از این رو تقویت هویت ایرانی-اسلامی، انتقال درست میراث فرهنگی، ارزش ها و هنجارها، تقویت و توسعه کالاهای فرهنگی از جمله؛ کالاهای رسانه ای، ادبی، تفریحی و تکنولوژیکی مبتنی بر ارزش های بومی-اعتقادی در کنار فراهم بودن سایر خواسته ها و مطالبات می تواند مولفه ای موثر در کاهش مهاجرت ها باشد.

مراجع

- ✓ آقای، مریم و زرنندی خالیدی، مرجان (۱۳۹۰). جامعه شناسی سرمایه های نامشهود سازمان های هزاره سوم. تهران: نشر جامعه شناسان.
- ✓ امیرخانی، رضا (۱۳۸۵). نشت نشاء؛ جستاری در پدیده ی فرار مغزها. تهران: انتشارات قدیانی. چاپ هشتم.
- ✓ انصاری، رضا (۱۳۹۱). «ارزیابی موقعیت اقتصاددانش بنیان ایران با کشورهای منطقه براساس متدلوژی ارزیابی بانک جهانی». تحقیقات علمی ایران. بهمن و اسفند ۱۳۹۱.
- ✓ ابراهیم آبادی، حسین (۱۳۷۹). مهاجرت نخبگان. تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ✓ بنی هاشمی (۱۳۹۲). جمعیت ایران. ایراد شده در گفتگوی مجله خبری باریس مرکز جمعیت آمار ایران.
- ✓ تافلر، آلوی (۱۳۷۰). ورقه های آینده. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: نشر البرز.
- ✓ تیموری لله، لوسجاد (۱۳۹۰). «بررسی اثر مهاجرت نیروهای متخصص بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه». پایان نامه ارشد دانشگاه تبریز.
- ✓ جانتن، الهه (۱۳۹۱). «بررسی عوامل موثر بر مهاجرت از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ایالات متحده آمریکا». پایان نامه ارشد دانشگاه فردوسی.
- ✓ حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۱). نامه ها و برنامه ها. قم: نشر قیام.
- ✓ حاتمی، علی. جهانگیری، جهانگیر و فتاحی، سجاد (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور». فصلنامه زن و جامعه. سال سوم. شماره ۲ (پیاپی ۱۰).
- ✓ خنیفر، حسین. رحمتی، محمد حسین و رستمی پور، علی (۱۳۸۹). مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش مبتنی بر دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و صاحب نظران تعلیم و تربیت ایران. تهران: انتشارات نورالثقلین.
- ✓ خاوندکار، جلیل. خاوندکار، احسان و متقی، افشین (۱۳۸۸). سرمایه فکری؛ مدیریت، توسعه و مدل های سنجش. تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- ✓ دهقان، مهدی (۱۳۸۲). «فرار مغزها تا پدیده ی نو ناسناخته ی مبادله مغزها».
- ✓ داورزنی، طاهره (۱۳۸۵). «بررسی آسیب شناختی فرار مغزها با تاکید بر پیامد اجتماعی و فرهنگی». پایان نامه ارشد دانشگاه الزهراء (س).
- ✓ ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۴). فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان. مجله جامعه شناسی ایران. دوره هشتم. شماره ۱.
- ✓ ریاضی، جهانگیر و عبادی، غلامحسین (۱۳۹۰). سازه ای دانابه نام دانایی. اهواز: انتشارات کردگار.
- ✓ رستمی حصوری، هاجر (۱۳۹۰). «اثر مهاجرت نیروی انسانی متخصص (فرار مغزها) بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه». پایان نامه ارشد دانشکده اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- ✓ زلفی گل، محمد علی (۱۳۸۵). «مهاجرت ژن های هوشمند». دانشگاه بوعلی سینا همدان.
- ✓ سجادی نائینی، سارا (۱۳۸۶). «بررسی عوامل موثر بر گرایش نخبگان به خارج از کشور». پایان نامه ارشد دانشگاه الزهراء (س).

- ✓ شاه آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۰). «بررسی عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی ایران». نشریه نامه مفید. شماره ۲۷، ص ۱۹۹-۱۶۹.
- ✓ شعبانلو، رحیم (۱۳۸۰). «بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور». پایان نامه ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- ✓ صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸). مهاجرت نخبگان. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- ✓ صانعی پور، محمود (۱۳۹۱). سرمایه های نامحسوس و اثر آن در کاهش محرومیت های اجتماعی و عشق به توسعه همه جانبه کشور. چاپ دوم.
- ✓ صدرا، علی (۱۳۹۰). «بررسی نقش سرمایه اجتماعی و تاثیر آن در گرایش به مهاجرت از کشور». پایان نامه ارشد دانشگاه گیلان.
- ✓ صادقی، سجاد (۱۳۹۱). «فرآیند اجتماعی مهاجرت جوان ها به خارج از کشور». سومین کنگره پیشگامان پیشرفت، اسفند ۹۱.
- ✓ طوسی، محمدرضا (۱۳۸۰). «بررسی نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر روند مهاجرت مغزها». پایان نامه ارشد موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- ✓ عالم تبریز، اکبر، رجبی فرد، ایمان و حاجی باباعلی، علی (۱۳۸۸). سرمایه فکری. تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- ✓ عالم تبریز، اکبر و محمدرحیمی، علیرضا (۱۳۸۸). مدیریت دانش (KM) و برنامه ریزی منابع سازمان (ERP). تهران: انتشارات صفار.
- ✓ عدلی، فریبا (۱۳۸۹). «ارزیابی جوتنوع نیروی کار و دانش آفرینی در نظام آموزش عالی». اندیشه های نوین تربیتی، دوره ۶، شماره ۱، بهار، ۸۹، ص ۵۲-۳۱.
- ✓ علوی، نیره (۱۳۸۵). «مطالعه نظری مدیریت دانش و بررسی وضعیت اجرای فرآیند مدیریت دانش». پایان نامه ارشد دانشگاه الزهراء (س).
- ✓ عسگری، محمد و سعید کلاهی، حسن (۱۳۹۲). «شاخص های تبیین کننده قدرت منطقه ای ج.ا. ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری». مجله اطلاعات راهبردی (دوماهنامه)، سال یازدهم، شماره ۱۶.
- ✓ فلاحتی، کیومرث و منوریان، عباس (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مهاجرت نخبگان (سرمایه های انسانی) و ارائه راهبردهای مناسب برای پیشگیری از این پدیده». مجله دانش و توسعه (علمی - پژوهشی)، سال پانزدهم، شماره ۲۴.
- ✓ فاضل، رضا و میرآشتیانی، الهام (۱۳۸۷). آسیب های اجتماعی ایران: نگاهی به آینده. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ✓ قاسمی، اکرم (۱۳۸۱). «بررسی تاثیر روابط فرهنگی و روابط اجتماعی اجتماع علمی بر گرایش دانشجویان کارشناسی ارشد به ادامه تحصیل در خارج از کشور». پایان نامه ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- ✓ لرنی، منوچهر (۱۳۸۷). نقد و تحلیل مسائل اجتماعی ایران. تهران: شرکت نشر بهینه فراگیر.

- ✓ مالهوترا، یوگش (۱۳۸۶). دانش سنجش و ارزیابی. ترجمه محمدحسن زاده. تهران: نشر کتابدار.
- ✓ ملایی، مصطفی و محدث، سیدمهدی (۱۳۸۸). «نقش دانشگاه هادر رسیدن به افق چشم انداز ۱۴۰۴ و یک جامعه دانش محور». مجله کار و جامعه، شماره ۱۱۵، ص ۶۳-۵۸.
- ✓ مارشال، کاترین و راس من، گرچن ب (۱۳۷۷). روش تحقیق کیفی. ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی. تهران: نشر نوبهار.
- ✓ محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش. تهران: انتشارات جامعه شناسان. چاپ اول.
- ✓ معافی، غزال (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اقتصادی موثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران-کانادا)». پایان نامه ارشد دانشگاه الزهراء (س).
- ✓ نوکاریزی، محسن (۱۳۸۳). «جغرافیای فرار مغزها و تاثیر آن بر جریان اطلاعات». مجله کتابداری و اطلاع رسانی. دوره هفتم شماره ۳، پاییز ۸۳.
- ✓ نعمتی، عبدالرحمن (۱۳۹۱). «علل و عوامل مهاجرت نخبگان و چگونگی جلوگیری از آن». پایان نامه ارشد اقتصاد دانشگاه تهران.

- ✓ Bratti, Massimiliano. Benedictis, Lucae. Santoni, Gianluca (۲۰۱۲). On The Pro-Trade Effects Of Immigrants. Regional Studies.
- ✓ Docquier, Frederic. Ozden, caglar. Peri, Giovanni (۲۰۱۳). The Labour market Effects of immigration and Emigration in OECD countries. The Economic journal.
- ✓ Djajic, Slobodan (۲۰۱۴). Temporary Emigration And welfare: The case of low-skilled labour. International Economic Review ,volume ۵۵, Issue ۲, pages ۵۵۱-۵۷۴.
- ✓ Elliott , Michael (۲۰۱۰). The Immigration Brain Drain. The Economic Journa.
- ✓ Iskander, Natasha (۲۰۱۱). The Transformers: Immigration and Tacit Knowledge Development.
- ✓ Schiller Daniel. Revilla, Diez (۲۰۱۱). The Impact Of Academic Mobility On The Creation Of Localized Intangible Assets. In statute of economic and cultural geography schneiderberg ۵۰, ۳۰۱۶۷ hannover, germany. regional studies.
- ✓ Sutherland, Peter D (۲۰۱۳). Migration is development: how migration matters to the post-۲۰۱۵ debate, volume ۲, issue ۲.
- ✓ Vicente, Jose. Cristobal, Blanes (۲۰۰۸). Characteristics Of Immigrants And Bilateral Trade. The Economic journal.
- ✓ <http://tebyan.ir>